

ویژه هفته شهریور

جمهوری اسلامی
چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۱



۱۷ شهریور یوم الله بود
امام خمینی

ملت محترم مطمئن باشید که هیچ قدرتی نمیتواند با شما که پیافاستاید، روبرو شود

لحظه های سرخ پرواز بسوی رفیق اعلی

در مقابل هم صف آرایی پرداخته بودند. اما این آرایش صفوف چیری متفاوت با صف آرایی های متداول بود اینجا نانکها نبودند که در مقابل نانکها صف آرایی میکردند اینجا دوازتن نبود که در مقابل یکدیگر صف می آراستند حتی گروهی چریک مسلح بود که با ارتش بزرگ ستبر میکرد. حماسه ۱۷ شهریور ماهیتا دو کیفیتا جدا از سایر حماسه هایست که تاکنون جهان بخود دیده است اینجا درستی پیشرفته ترین سلاحها و کارآموزترین نیروها در برابر توده های بی شمار از انسانهای بی سلاح از مردان و زنان جوان تا اطفال خردسال و پیرمردان سالخورده قرار داشت در این سوی بی همه وسایل تدافعی و تهاجمی چون تانک و نفر بر رهی و انواع مسلسلها و تفنگها ولی با سلاح ایمان و عشق به شهادت بود و سلاح تهاجمیشان جانپاشان بود که در طبق اخلاص نهاده و به پیشگاه معبود تقدیم میکردند. بی شک نتیجه چنین نبردی را نباید براساس کشته های حصص مشخص نمود بلکه فوران خون از پیکر مخلصین سلخشور بود که نتیجه جنگ و نبرد را رقم میدزد. آری خون است که تعیین کننده نتیجه نهائی است و در آنروز چنین شد وقتی اولین شب شکاران در خاک و خون در غلظیدند برخلاف همه نبردها که دشمنی به کشتار جری تر میگردد دیگر دستها با سختی ماشه را میچکاند بسیار را نپاری چکاندن ماشه نبود برخی دیگر که خوش طبعست بودند وحره گونه در گرما گر برد. اردوی بردپای را رها کرد و به سرافرده حسینان رسد پیوسته و تفنگهای خود را بسوی مافوق خود نشانه رفتند. به این ترتیب پس از ۸ ماه جدال بی امان، مبارزه به مرحله تعیین کنندهای رسیده بود دشمن به پکار بردن هلی کوپترهای مجهز به مسلسل با کشتار مردم زمین و هوا سعی داشت که بر جمعیت را پراکنده سازد اما مردم بهیچ قیمت حاضر به ترأ صحنه نبودند آنها با شعارها چون:

بسم الله الرحمن الرحیم
فخر جویین بر از همیشه سینه
قبرین شب را هم میدرید و
آرام آرام در افق پرنده ظلمت
نکاری میرد حدال در و گرگ و
میش هوا ادامه داشت و هور تا
عنه سپیده صبح بر ظلمت و
نابودی آن راه در پیش بود
سپیده دم ۱۷ شهریور. وقتی
حدا سلوکان حقیق حو برای
اقامت صلوات این روشنی سخت
دلها و پیام همیشه کهنه ناشدی
بهاستاده بودند و خود را برای
آغاز تحولی بزرگ، سیری
بررگ، برای روزی بزرگ یعنی
یوم مهیا میساختند. صدای
شب پرستان با اعلام
حکومت نظامی، رصهاران دیار
عاشقان شهادت، سربداران دار
سراج و دشمن ستیر را از
درگیر شدن با حکومت نظامی
گوشها را می آرد و دشمن
بی خبر از آنکه دلهای عاشق جر
برای وصل هرگز نمی تسهد و
زیباتر از وصل رفیق اعلی حالتی
نمی ساسند. چه لحظهای
پر شوکت تر از پرواز در ملکوت،
چه سعادت و فیضی مطلوب تر از
شهادت

بلاخره حور شید،
حرامان حرامان از شرق سر
بیرون میاورد. و با پرتو نارنجی
رنگش باقی مانده رنگار سیاه را
از گنبد میا میدرد. اما سرخی
ناشی از بارود تساریکی و نور
چونان حالهای در حاوران هور
حریم حورشید را از گردن شب
پاس میداشد. طلاهداران روز
بندریج حالهای از جمعیت را بر
گرد میدانی که چند ساعت بعد
از خون سرفام شهدا پوشیده
خواهد شد پدید می آوردند،
درس برخلاف انتظار شاه شب و
پرستان و حماسان درباری و
حوبحوران نظامی چون اویسی
فرماندار نظامی تهران، مردم
شهر به از تظاهرات ۸ ماهه که
در ماه مبارک رمضان در شهر
صیافا هم متوالیا ادامه
داشت که بعد از آن هم با شدت
بیشتر ادامه پیدا کرده بود حسته
شده بودند و به از اعلامیه مع
تظاهرات و اجتماعات مردم به
سها در ۱۵ شهریور و اعلام
حکومت نظامی در بامداد ۱۷
شهریور هراسی به خود راه داده
بودند. بلکه حرکتهای ماه
مبارک رمضان باعث تثبیت عزم
و راده آنها برای مبارزه با نظام
حاشامی شده بود مردم در
ماه سربکبه و حورسازی دل
خویش را از تمام ناهاکی ها، همه
هراسها رده شده بودند و

خود بری نبردی بزرگ ماده
روح الله الموسوی الظمینی
۶ شوال ۹۸ (۱۸ شهریور ۵۷)

گزیده ای از پیامهای امام به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور
* خاطره تلخ ۱۷ شهریور ۵۷ و خاطره های تلخ روزهای بزرگی که برامت گذشت، میوه شیرینی، سرنگونی کاخهای استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم عدل جمهوری اسلامی را ببار آورد.
* ۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند، کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبیدن و کربلای ماکاخ سلطنت شیطان را فروریخت.
* اکنون وقت آن است ما که وارثان این خونها هستیم و باز ماندگان جوانان و شهیدان بخون خفته هستیم، از پای نشینیم تا فداکاری آنان را بشمرسانیم.

پیام امام خمینی به مناسبت ۱۷ شهریور ۵۷ (جمعه خونین)
شاه بود، شعار برضد رژیم
تعمیلی غیر قانونی بود،
اظهار مظلومیت بود.

ولی واقعیت این است که
شاه میخواهد انتقام خود را از
ملت بی دفاع بگیرد و با
صحنه سازیهای مبتذل ملت
بی دفاع را به مسلسل بسبند
و نفسها را به خیال باطل
خودش در سینه حفه گرداند
ولی دیگر دیر شده است
و ملت مظلوم و بیدار ایران
آگاه گردیده است.

من هور اطلاع دقیقی از
کشته شدگان و مجروحان در
سراسر ایران ندارم ولی
خبرگزاریها تعداد کشته
شدگان را به صدها نفر
گزارش داده اند و خبرهایی را
بر این تعداد را بیشتر را
هر روز بر مفر میگویند.

کون بر ملت شجاع یرن
است که به هر ترتیبی که
ممکن است به مجروحین
بی شمار خود خون، دوا و عدا
برساند و از هر گونه کمک
مالی دریغ نساید چهره
یرن امروز گسگون است
و دلاوری و نشاط در تمام
اماکن به چشم میخورد

آری ایسچین است ره
امیر مومنان علی علیه السلام
و سرور شهیدان امام حسین.
ای کاش حمیتی در میان
شما بود و در کنار شما در
جبهه دفاع برای خدای
تمالی کشته می شد

ملت یرن مطمئن باشید
که دیر ویا رود پیروزی از آن
شما است
شاه با حکومت آشتی نمی
میخواست روحانیت شریف

«تنهاره سعادت یماز
جهاد شهادت» یا «تاج
دررگ ماست حمیتی ره
ماست» یا «حرب فقط حربا
رهبر فقط روح الله» یا «ما
گولها به خاک خون
می غلطیدند

چشم و نبربرهای رهی
در گوشه کار پهنی آشکار بود
میدان صحنای شبیه به صحرای
کربلا با آن حال و هوا پیدا کرده
بود

بهره گیری از مقدماتی بود که
ریشه در قیام پانزده خرداد
داشت ریشه در مبارز عمیق
روحانیت مبارز و عصر حش
سیاکوبیتهای سمدای پس
آن داشت ۱۷ شهریور سری زیم
تکرار ناموفق حرایات مدرسه
نگهر شاد بود، آری ۱۷ شهریور
در واقع نقطه عظمی بود در
هنگامیکه بهصورت دوران ابتدائی
را پشت سر گذاشته و با بحرله
بلوغ گداشته بود حورشید
بالا تر می آمد هر چه سطح
موجود بر دیگر مسیگشت
بر هیجان و کثرت جمعیت افزوده
میشد عفر به ساعت در بریدیکی
ساعت ۸ لگر می اندازد حال
دیگر رفت و آمد شد گرفته بود
مردم در دسته های چند ده نفری
راه بسوی میدان میسپردند
حضور عمال مسلح حکومت
نظامی سوار بر تانکهای

ناگفته‌هایی از ۱۷ شهریور خونین

دیگه اینکه این رادیو عراقو خفه کنن. چرا میذارن صدای نجشس تو مملکت ما پخش بشه؟ آخه یه جوری خفه‌اش کنن. پارازیت بندازن روش. اینا خیلی هار شدن. من از جوونها، از پاسدارها می‌خوام. باتمام نیرو با اینا بجنگن. «جون» که ارزشی نداره

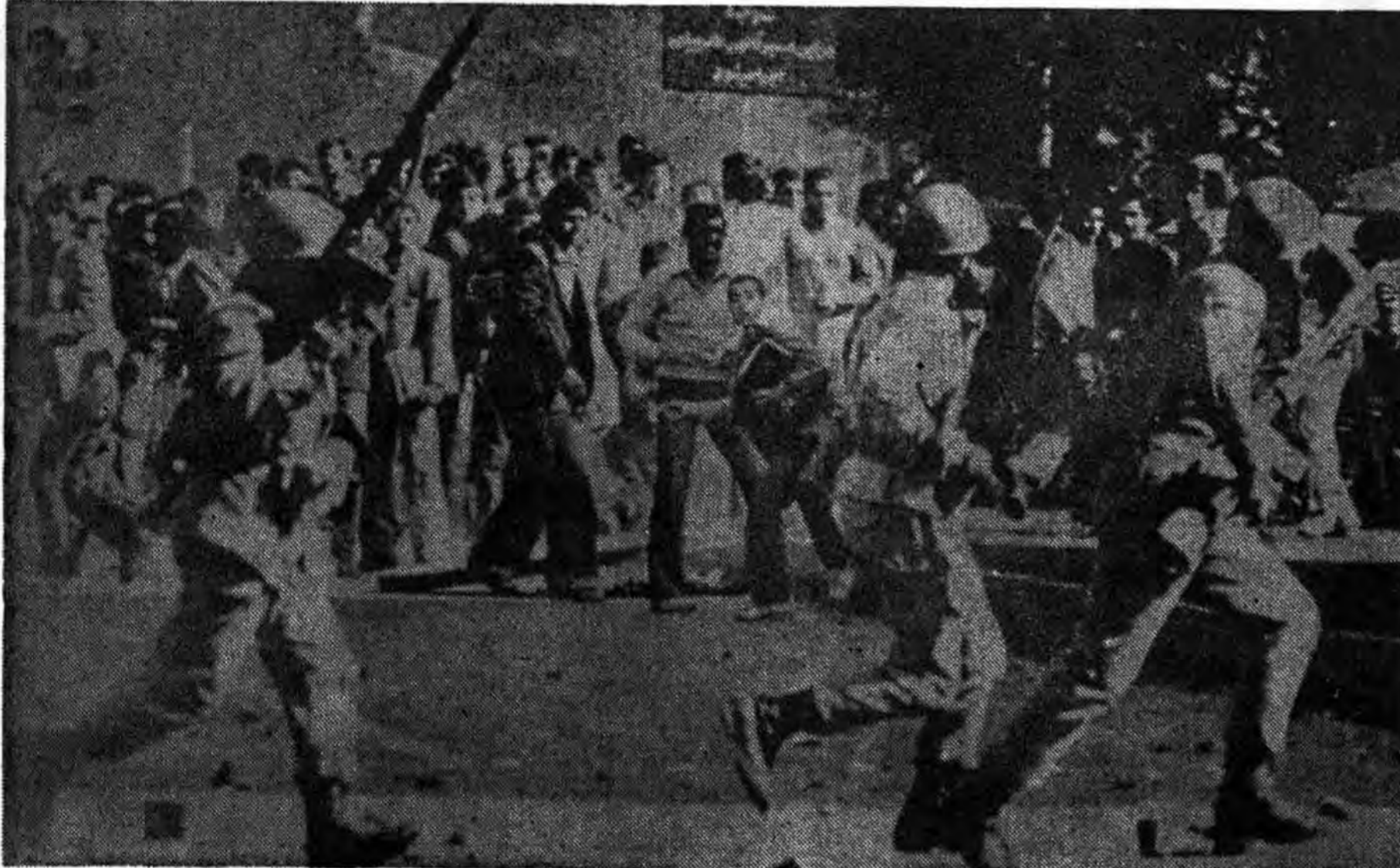
کنن، ما خودمون مال اونجا هستیم. میدونیم اونجا مردم غرق در فقر و بدبختی هستند مدرسه ندارن، بهداشت ندارن، غذای راست و درستی گیرشون نمیاد مرتب خونهاشون روسرشون خراب میشه. دولت باید به درد اونابرسه. مسئولین مملکت باید همه فکر و ذکرشون رسیدگی به مردم باشه. نه

مث برادرهای پاسدارم برم جنگ دشمن خدا. من طاقت ندارم تو خونه بشینم... در اینجا رنش به حرف آمد و گفت: اصلا نمی‌تونه از پله‌ها بالا پایین بره. خدا میدونه تا مدتی پیش هر جا میخواست بره خودم همراهش می‌رفتم. چون چند بار تنها رفته بود خیابون حالش بهم خورده

جریان انقلاب. از پس اندازم می‌خوردم شبها میرفتم با هم محلای هامون تو خیابون شعار «الله اکبر» می‌دادیم. اون شبایی که حکومت نظامی بود بارها به قصد شهادت رفتم تو خیابون اما قسمت نشد تو میدون شهدا به قصد شهادت رفتم اما قسمت نشد در هر حال این «جون» رو می‌خوام واسه اسلام بدم.

نفتند «شب». بعد از اون سه ماه تو بیمارستان فیروزگر خوابیدم. یکماه تو بیمارستان خزانیه. چند دفعه از طرف کمیته رفتم خاراج واسه معالجه، خوب بهتر شدم ولی هنوز عوارضش بهم موند. سردرد شدید دارم. چشمام تار شده. در اثر ضربهای لگد و قنداق تفنگ پادرد شدید گرفتم. قلبم درد می‌کنه. با این حال حاضرم هنوز مشتتاهمو باز نکردم هنوز خالی زیاده. دنیا رو باید از وجود اینا پاک کرد.

آنچه ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی میگذرد گفتگو با یکی از برادران معلول ۱۷ شهریور بنام فیروز کلاشده می ۲۹ ساله، متأهل، دارای سه فرزند است. این برادر سرکارگر سابق ذوب فلزات بوده که محل سابق زندگی او خزانه فرح‌آباد (محمد بخارائی) است. اینک این برادر از خاطراتش در مورد هفده شهریور سخن می‌گوید:



آسانسور مثل همیشه خراب بود. پله‌ها را گرفتم و بالا رفتم تا رسیدم طبقه ۱۲، آپارتمان شماره ۲. جوانکی داشت سیم‌کشی بسرق می‌کرد. شناسایی دادم اما از من کارت خواست و در این کار اصرار هم داشت. دلیلش را پرسیدم، زن جوانی که ایستاده بود و گویا همسرش بود گفت: «آخه میدونید ایرونا چریکهای فدایی به اسم مسلمان میبازن از خانواده‌های شهدا پرس و جو می‌کنند بعد می‌فروشن به عراق خائن. ما هم نمیتونیم به همه کس اعتماد کنیم...» حق داشت. این «حسامیان تقلبی زحمتکش» تا حالا خود را خوب به مردم شناسانده‌اند، علی‌الخصوص که دست در دست دشمن ملت هم بگذارند...

در هر حال وقتی از شناختن من مطمئن شد راضی شد که صحبت کند:

برادرم رنج دیده بود و محرومیت کشیده. تمام زندگیش متجاوز از دو قالی کوچک و یک رادیو ضبط و مقداری اثاث نبود، اما دلش دریایی بود از عشق به اسلام و امام. از حرفهایش آتش می‌بارید. عاشق امام بود و حقاً که «دل به دل راه دارد»، امام هم عاشق اوست.

اونروز هیفده شهریور صبح زود با چند نفر از دوستانم با موتور داشتیم می‌رفتم میدون ژاله واسه تظاهرات. ترسیده بودیم به میدون که دیدیم هر کسی از اونطرف میاد میگه «برید اونجا، دارن مردمو قتل‌عام می‌کنن...» ما هم سرعت موتورو بیشتر کردیم تا رسیدیم میدون، دیدیم زن و مرد و بچه غرق در خون ریختن روی هم. تمام میدون پر از خون بود و آه و ناله، بگهوی یکی از رفقا می‌دیدم که نوری جوی خیابون افتاده ناله می‌کنه. یکمونه رفت بلندش کنه بهش تسمیر

می‌گفت جان خودم و سه پسر رو می‌دهم تا امام سر سوزنی ناراحتی نداشته باشد. از چشمانش همان قاطعیت و سازش ناپذیری امام می‌بارید. دلش مملو از درد بود. درد از دست کسانی که برای دست و پا کردن نانی و آبی به دست و پا افتاده‌اند. می‌گفت از دولت هیچ چیز نمی‌خوام، هیچ توقعی ندارم. زندگیمو با همین حالش دوست دارم. اینجا هم خودم نیومدم، یکی از رفقا واسه نام نامه برد کمیته، اونو آوردن اینجا. اما واسه ما همین که امامون سلامت باشه، از یک دنیا بیشتر ارزش داره...

اونروز هیفده شهریور صبح زود با چند نفر از دوستانم با موتور داشتیم می‌رفتم میدون ژاله واسه تظاهرات. ترسیده بودیم به میدون که دیدیم هر کسی از اونطرف میاد میگه «برید اونجا، دارن مردمو قتل‌عام می‌کنن...» ما هم سرعت موتورو بیشتر کردیم تا رسیدیم میدون، دیدیم زن و مرد و بچه غرق در خون ریختن روی هم. تمام میدون پر از خون بود و آه و ناله، بگهوی یکی از رفقا می‌دیدم که نوری جوی خیابون افتاده ناله می‌کنه. یکمونه رفت بلندش کنه بهش تسمیر

چهار پنج روزی که از آمدن او و زن و بچه‌اش به شهرک شهدا می‌گذشت، شبها را بدون برق گذرانده بودند. آپارتمان آنها نیمه تمام بود و اصلاً برق نداشت. با این حال می‌گفت خجالت کشیدم بروم به دفتر بگویم برق نداریم. هر وقت امکانش بود خودشون بهمون میدن. اما بالاخره امروز پاسدار اومد واسمون از آپارتمان بغلی یه سیم کشید در میان حیرت من ادامه داد:

قبل از انقلاب توی یک کارخانه ذوب فلزات سرکارگر بودم. رندگیمون می‌گذشت. حقوق خوبی داشتیم. فرح‌آباد خزانیه به اطلاق با یه آشپزخونه کرایه کرده بودیم ماهی هفتصد تومن. انقلاب که شروع شد طاقت نیاوردم برم سرکار. کارمو ول کردم، افتادم تو

قبل از انقلاب توی یک کارخانه ذوب فلزات سرکارگر بودم. رندگیمون می‌گذشت. حقوق خوبی داشتیم. فرح‌آباد خزانیه به اطلاق با یه آشپزخونه کرایه کرده بودیم ماهی هفتصد تومن. انقلاب که شروع شد طاقت نیاوردم برم سرکار. کارمو ول کردم، افتادم تو

قبل از انقلاب توی یک کارخانه ذوب فلزات سرکارگر بودم. رندگیمون می‌گذشت. حقوق خوبی داشتیم. فرح‌آباد خزانیه به اطلاق با یه آشپزخونه کرایه کرده بودیم ماهی هفتصد تومن. انقلاب که شروع شد طاقت نیاوردم برم سرکار. کارمو ول کردم، افتادم تو

اسلام باید بمونه. اونجا جنگ کنن، بچه‌های ما هم دنبالشون میان نگاه کردم به بچه‌ها. سه لاله کوچک سه پاسدار، سه فدایی اسلام. نونگلهایی از ذریه پاک پدری دلآور، خدا حفظشان کنه.

مشغول جنگ زرگری باهم بشن. درسته دولت کلی از وقتش رو صرف درگیری‌ها و خرابکاریهای دشمنان می‌کنه، ولی بقیماش رو باید صرف مردم بکنه.

بود افتاده بود توی جوی آب. گفتم برای مردم پیامی ندارید؟ زنش پیشدستی کرد و گفت: «همه انتظار مایانه که مقامات مملکت واسه مردم کار کنن. به این جنوب شهری‌ها رسیدگی

گفتم شما با این حالتون اقلاً می‌خواستید طبقات اول دوم آپارتمان بگیرید. اینجا رفت و آمد سخته. آسانسور هم که نداریم. بالحن استواری گفت: کمبودی ندارم. خدا رو شکر. واسه پله‌ها هم علاجش ایسه که پایین نرم همه خریدهامونو رنم می‌کنه. پرپرور یکبار از پله‌ها پایین می‌رفتم حالم بد شد از طبقه سوم افتادم طبقه اول خدا رحم کرد. حالام درد من فقط از نبودن میان مردم هس. من می‌خوام



و آن لحظه‌ها را و آن روزهای تلخ را بیاد می‌آوریم و خدای را حمد می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

یاد شهیدان

امروز، روز عاشورا است. امام سجاد شاهد و راوی حوادث خونین عاشورای حسین که خود، پیامبر انقلاب هم بود، بعد از عاشورای حسین که خود، پیامبر انقلاب هم بود، بعد از ماجرای آن شهادت گدازنده خونین، سی و پنج سال گریه کرد. این گریه، گریه غم و تأسف نبود. این گریه، گریه آتش افروز انقلاب بود.

شما مردم ایران هم که شاهدان و روایان عینی عاشورای میدان شهدا و شاهد عینی عاشورای هفده شهریور هستید، جا دارد اگر اشک بریزید و گریه کنید. گریه ما نیز بر شهیدان مان به هیچوجه گریه تأسف نیست. خون‌های پاک این عزیزان یک ملت را نجات داد، یک قدرت عظیم جهانی را به عقب نشاند. ما باید سنت مرثیه خوانی بر این عزیزان را زنده کنیم. حقیقت این است که داغ دل مسادران و پسران داغدار

که عزیزان و جگر گوشگان خود را سخاوتمندانه در راه خدا داده‌اند در دل یک-یک ما زنده است، ما با همین آتش است که تا آخرین نفس و تا آخرین نفر با خود کامگان و قدرتمندان جهانی خواهیم جنگید. ما همواره با یاد شهیدان این آتش را در دلمان زنده نگه خواهیم داشت.

من در اینجا حوادثی را که شما بعضی از نزدیکان دیده‌اید و بعضی شنیده‌اید بطور گلچین و خلاصه به شما می‌گویم تا بدانیم در کجا جمع شده‌ایم و بر خاک چه کسانی نشستیم. ای مرد و زن مسلمان، ای عزاداران، ای ملت ایران شما میدانید در زیر این خاکهای تیره چه کسانی غنوده‌اند؟ در زیر این خاکهای تیره‌ایکه امروز میعاد عاشقان شهادت و نگهبانان آزادی در این کشور است، آن کسانی غنوده‌اند که خود، صاحبان این آزادی و تولید کنندگان این استقلال و عزت و شرف در ایران هستند. یادشان همیشه برای ما زنده است.

در زیر این خاکها جوانی غنوده است که وقتی پیکر مجروح او را به بیمارستان بردند و خواستند با قطره آبی تشنگی او را برطرف کنند به پرستاران و اطرافیان خود گفت که آب نمی‌نوشد چون روزه است.

در زیر این گل‌های تیره آن زنی در بستر لطف خدا و رحمت الهی آرمیده‌است و وقتی کودک شیر خوارم‌ای که در

آغوشش بود در وسط میدان یا در کنار میدان با گلوله دشمن مجروح شد و کودک چند ماهه در آغوشش دست و پا میزد، ما در بچه را از آغوش خود جدا کرد و روی زمین انداخت و خود با سینه مشتاق شهادت، بسوی دشمن رفت. اما چند لحظه بعد او هم در میان خاک و خون غلطید و به خدا پیوست.

در میان این عزیزانی که در قبرستانهای ما غنوده‌اند، عزیزان هفده شهریور آفرین، آن کودک پنج ساله‌ای که وقتی پدر خود را زیر پای مزدوران شاه دید که دست و پا میزند، بی‌محابا بطرف میدان رفت اما تیر دشمن به او هم مجال نداد.

اینجا قتلگاه عزیزان ما است، اینجا مشهد جگر گوشگان ما است، اینجا قبله امید انقلاب ایران است، ای مردم بدانید که در کجا نشستیم.

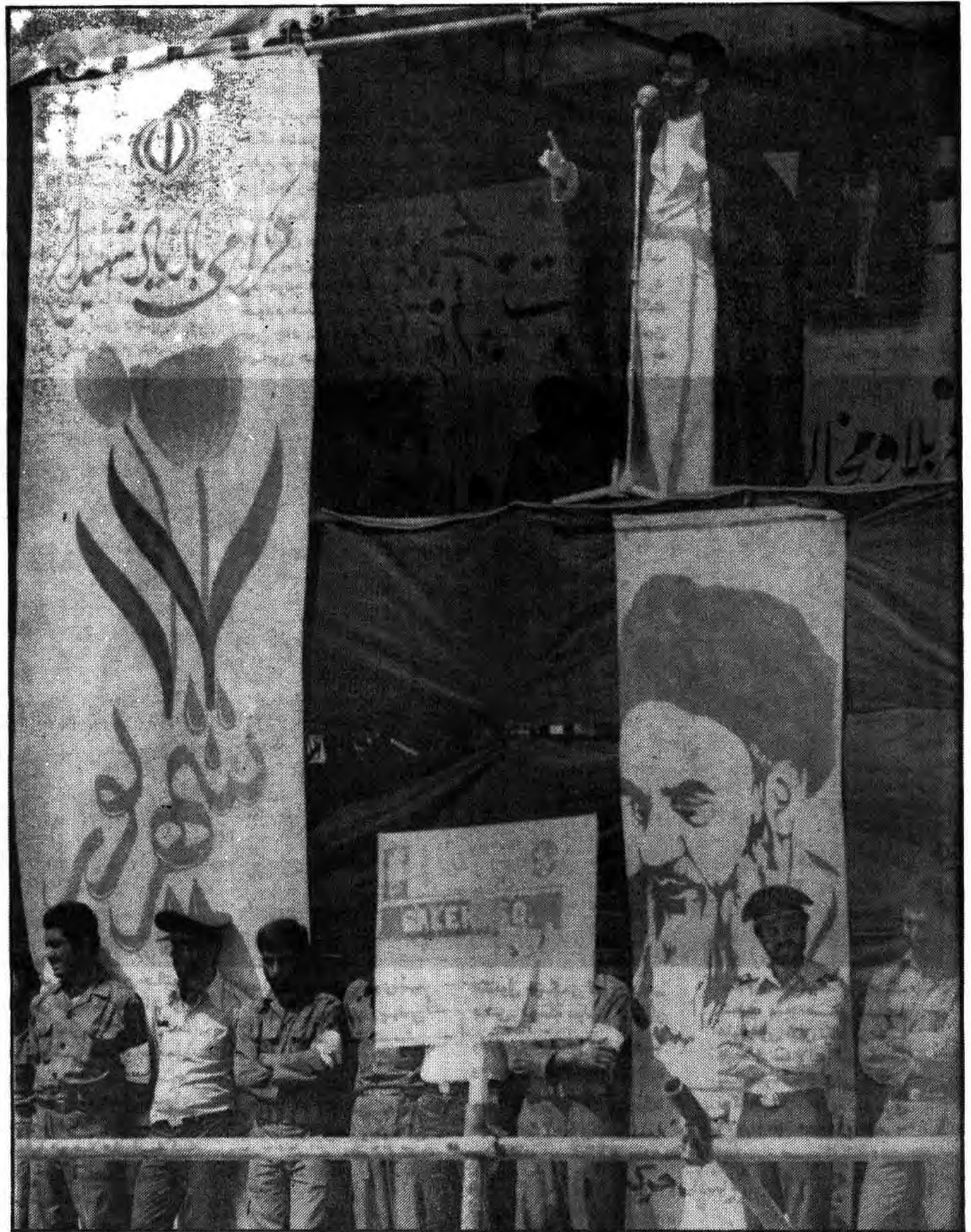
امروز روز عاشورا است، اینجا مدفن شهداست، بر شهیدان خود اشک افتخار بریزیم، پیمان و پیوند خود را با آنان تجدید کنیم.

در روز عاشورای حسین، بعد از آنکه جوانان بنی‌هاشم همه با اجساد قلم-قلم شده روی زمین افتادند، بعد از آنکه زینب دختر حسین و آئینه حسین، همه این داغها و دردها را برای خدا تحمل کرد، در آخرین لحظات به گودال قتلگاه آمد، پیکر مجروح و زخم خورده و پاره پاره شده حسینش را پیدا کرد، دست زیر بدن حسین برد، بدن حسینش را به خدا عرضه کرد و گفت: خدایا این قربانی را از آل علی قبول کن.

ملت ما و امت ما به خدا عرض میکنند. ای خدای بزرگ، ای خدای شهیدان ای خدای مستضعفان، ای خدای استکبار برانداز، ای خدای نجات دهنده مستضعفان، ای خدایی که معادله قدرتهای جهانی بی‌اراده تو هیچ است و هیچ. ای خدای شکست دهنده استکبار و کفر جهانی، ای خدای شهیدان، این قربانیان عزیز را از ما قبول کن و خدا قبول کرد. بدلیل آنکه باموج خون آنان کاخ دشمن فرو ریخت.

ای خدای کریم ناسیاسی‌های ما، کفران نعمت‌های ما، موجب آن نشود که خون شهیدانمان پایمال شود. چشم لطف و رحمت همواره بر این پیکرهای پاره پاره شده در راه خدا بماند. این ملت هنوز راه درازی در پیش دارد.

برادران و خواهران عزیز من مرثیه این شهیدان را بخوانید و بشنوید، که این کار کوره انقلاب ما را همواره افروخته‌تر خواهد داشت. انقلاب ما در نیمه راه است. ما هنوز تا پیروزی نهایی زمان و راه زیادی در پیش داریم ای مردم ایران، ای شهیدپروران، ای کسانی که در



حجة الاسلام والمسلمین خامنه‌ای:

پیام شهدای ۱۷ شهریور حفظ اسلام، قرآن و وحدت است

بنی صدر خائن در میدان شهدا سخنرانی کرد و تنها صحبتی که نمود از شهداء بود تنها و تنها تهمت زد آنها به صادق‌ترین و خیره‌ترین چهره‌های انقلاب به «بهبشتی مظلوم» و یاران دیگرش و.... ایک سخنرانی پرشور برادرمان حجة الاسلام والمسلمین خامنه‌ای را که در سال ۵۹ ایراد شده می‌خوانیم

.... شهید زنده سخن راند، از شهیدان یاد کرد، بر مزار آنان گریست و آنچنان بیاد شهدا سخن گفت که هر صاحب‌دلی فکر می‌کرد که هم اینک در میدان شهداست و شهیدان را می‌بیند و با آنان هم‌نشین است.... ولی بیاد آوریم بعد از ظهر همان روز را که

آن روز را هرگز فراموش نمی‌کنیم.... یوم‌الله ۱۷ شهریور.... ۱۷ شهریور ۵۹ را.... صبح آنروز قرار بود که یار همیشه در سنگر امام و امت و شهید رنده انقلاب «خامنه‌ای عزیز» بر مزار شهیدان در بهشت زهرا سخن بگوید.

ونفس قرآن در میان مردم ما و جامعه ما زنده بماند، نه محاصره اقتصادی، نه حمله نظامی، نه توطئه کودتا، نه نابسامانی مادی و فقر نخواهد توانست کمر این انقلاب را بشکند. (تکبیر)

● اتحاد و اتفاق

دومین چیزی که ما به آن احتیاج داریم وحدت است. نیروهای مسلمان پیرو خط امام و وفادار به راه و آرمان شهیدان، باید با هم اتحاد و اتفاق کنند، مثل همان روزهایی که سیل خروشان ملت در خیابانها راه می افتاد، روزهای قبل و بعد از هفده شهریور. سعی کنید خواهران و برادران بیاد بیاورید، همان روزهایی را که این رود خروشان در خیابانها حرکت می کرد، شما میدیدید که عده ای زیر نامهای گوناگون از اینطرف و آنطرف می خواستند جریانهای انحرافی بوجود آورند و انشعاب کنند. امروز هم همانها وسیله انشعاب و تشتت در جامعه ما هستند.

البته ما وقتی می گوئیم وحدت، منظورمان وحدت با آن گروههای تفرقه افکن و تفرقه گرانیست، وحدت نیروهای مسلمان است. (تکبیر)

من امروز از این حال و هیجان شما برادران و خواهران که نشان دهنده یکی از مهمترین و اصولی ترین ارکان انقلاب ما است استفاده کرده و دعا می کنم.

پروردگارا این شهیدان با یاد و نام امام سینهها را هدف رگبار گلولهها کردند، پروردگارا بخون پاک این شهیدان به نفس سوزان مادران و پدران و همسران و کودکان داغدار، ترا سوگند میدهم که سایه پربرکت امام امت را بر سر این ملت مستدام بدار.

پروردگارا این جسم و روح و مغز سالم پربرکت را، این عزم و همت و اراده آهنین را، همواره برای پیشرفت این انقلاب برای ما حفظ کن.

● مکتب، وحدت، امامت

سومین مطلبی که باید بیادمان باشد، این است که مکتب و وحدت و امامت، همه بر محور پرچم پرافتخاری است که بردوش امام ما است. امروز امام برای ما سلاک و معیار است، همه چیز را باید با او سنجید، حق و باطل هر دو را. نکته دیگری که باید به شما برادران و خواهران بگویم حفظ آمادگیهای فداکارانه است. وقتی ما می گوئیم ملت باید آماده دفاع از انقلاب باشد، مقصودمان این نیست که این آمادگی باید با محاسبات و معادلات مادی تطبیق کند، منظور این است که که باید این ملت از لحاظ ایمان، ایثار و تسلیم بر فداکاری یکپارچه باشد.

در این پیام امام به نیروهای مسلح، به ارتش فداکار و سپاه پاسداران عزیز اشاره کرده اند. امروز ارتشها و سپاهیان پاسدار باید بدانند که این ملت پشت سر آنهاست و از آنها انتظار دارد، همچنانکه به آنها اطمینان دارد. (تکبیر)

ای برادران پاسدار و برادران نظامی بهای اطمینان و امیدی که مردم به شما دارند، فداکاری، پرکاری، نظم و دقت شمامست. (تکبیر)

آخرین جملات گفتار کوتاه ما را به یک درخواست از مسئولان سطح بالای کشور اختصاص میدهم.

به رئیس جمهور، به نخستوزیر و به همه دستاندر کاران می گویم که این ملت آماده است برای فداکاری و حرکت. شما امروز موظفید وسائل کار این ملت را فراهم کنید، وسائل کار این ملت عبارت است از یک کابینه منسجم مؤمن انقلابی، بیش از این تشکیل کابینه را معطل نکنید. (تکبیر)

من می خواهم به این وسیله و از این تریبون از برادر عزیزمان رئیس جمهور تقاضا کنم که عناصر مؤمن و فداکاری را که نخستوزیر مؤمن و فداکار احساس می کند می تواند با آنها کار کند و انتخاب می کند هر چه زودتر مورد تصویب قرار بدهند. تا مجلسی رأی اعتماد بدهد و دولت عملاً و رسماً مشغول کار شود. (تکبیر)

همچنین می خواهم از برادرمان نخستوزیر درخواست کنم که بر روی معیارهای اصولی مکتب پافشاری کند و سعی کند زمام کار این ملت شهید داده را فقط بدست کسانی بسپارد که با این شهیدان پیوند معنوی و فکری و روحی دارند (تکبیر)

جمله آخر من خطاب به معاونین عزیز هفده شهریور و همه معاونین انقلاب و خطاب به خانوادههای شهیدان و خانوادههای شهیدپرور است.

ای عزیزان، ملت ما قدر شما را میداند و با همه وجود از شما سپاسگزار است.

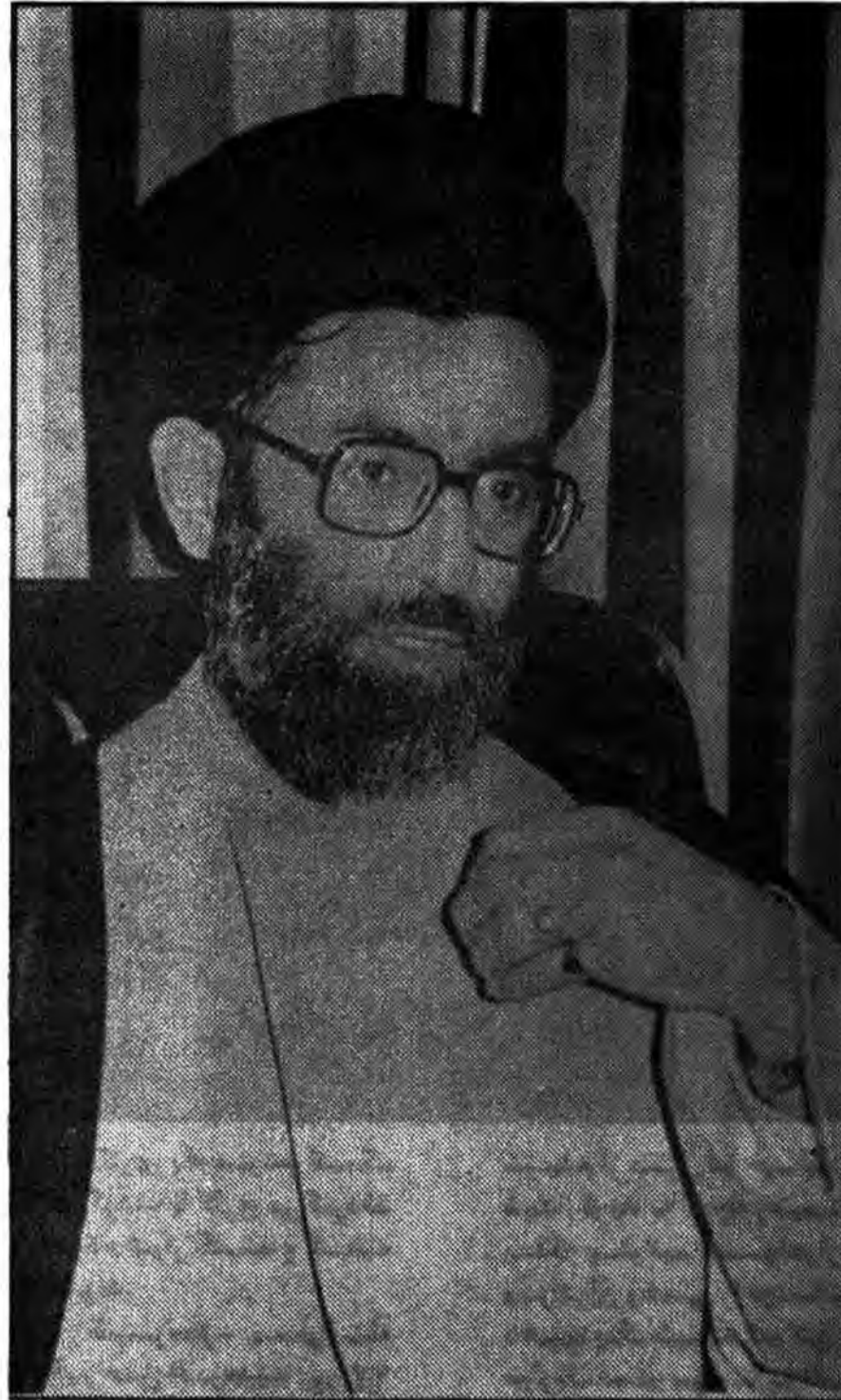
پروردگارا به حرمت خون شهیدان، پاس حرمت شهیدان را همواره در دل ما زنده بدار.

پروردگارا ملت ما را به یکپارچگی و وحدت لازم برسان. پروردگارا دستهای تفرقه افکن و خودخواه و خودکامه را قطع کن.

پروردگارا آن کسانی که منتظر ضعف و فتور این ملتند امیدشان را ناامید کن.

پروردگارا هوشیاری و هوشمندی ما را روزافزون بگردان.

والسلام علیکم ورحماتالله وبرکاته



مناسبت امروز داده اند، در وضع کنونی انقلاب مادی واقع روی حساسترین نقاط انگشت گذاشته اند، امام به ما یادآوری می کند که ای ملت امروز که توهین چیز در دست نداشتی و فقط با جان و خون خود توانستی کاخ سفید آمریکا را بلرزانی، نه فقط آمریکا را بلکه توانستی کاخهای سرخ کرملین و پکن را هم به ارتعاش درآوری. (بعد از هفده شهریور سال پنجاه و هفت به فاصله چند هفته رهبران شوروی و چین سالگرد چهارم آنان را به محضر ضای مسلمون تبریک گفتند و همبستگی خود را با این جلا و جدایی خودشان را از ما اعلام کردند) این ملت توانست قدرتهای بزرگ دست اول جهان، یعنی آمریکا و شوروی و چین و دیگر قدرتهای اروپایی را با دست خالی به عقب بنشانند. امروز دست شما پر است، میلیونها انسان مسلح با آماده برای مسلح شدن دارید، امروز شما منطقه حساسی از جهان را در اختیار دارید، چهارراه خاورمیانه در اختیار نیروهای اسلام و قرآن است، امروز آمریکا با شما چه می تواند بکند؟ دشمن امروز چگونه می تواند با شما دستوپنجه نرم کند؟ امروز دشمن از شما شکست خورد. والله امروز هم دشمن از شما شکست خواهد خورد. (تکبیر)

امام دقیقاً بر روی همین نکته تکیه کرده اند که این نکته بتدریج دارد از یاد بعضی از مردم و مسئولان ما می رود. شما انت مذکور - ای امام بزرگوار تو چه پسادآور بزرگی هستی. امام بیاد ما آورد و این شهیدان نخواهند گذاشت معنویت و نیروی معنوی جامعه انقلابی ما از یاد ما برود و شما مردم باید فراموش نکنید.

من امروز در این لالهزار خون شهیدان و گلستان آزادی ایران، حرف زیادی با شما ندارم. امروز شهیدان آنچه را که باید با ما بگویند گفته اند، اگر ما چشم و گوش داشته باشیم، این لالههای خونین پیامهای بسیاری برای ما داشته اند من در اینجا دوسه نکته را به شما برادران و خواهران عزیز و به همه ملت ایران تذکر میدهم:

اولین نکته حفظ مکتب و اسلام و قرآن در انقلاب ما است. امروز به فضل پروردگار، ما توانستیم قانون اساسی طبق محتوای اسلام و قرآن داشته باشیم، توانستیم با انتخاب درست و دقیق و آزاد، مجلس شورای اسلامی داشته باشیم و اخیراً توانستیم نخستوزیر مسلمان انقلابی که خود یک شهید زنده است داشته باشیم. (تکبیر)

آن مقدار فشاری که دشمن دست نشانده آمریکا در سال ۵۳ و ۵۴ بر روی برادرمان رجایی وارد آورد، کافی بود که یک انسان را به خیل شهدا ملحق کند. او باید امروز در شمار شهیدان ما بود، خدا او را برای ما نگه داشت. رجایی با شهیدان ما خوشخواندی خوبی و قلبی وفکری دارد. او یک شهید زنده است. خدا را بر این گزینش درست مسئولان و برگزیدگان ملت سپاس می گوئیم. باید کابینه ای به همین ترتیب، اسلامی، انقلابی و مکتبی برگزیده شود، باید کسانی باشند که حاضرند برای این انقلاب جان بدهند. (تکبیر) دولت باید دولتی باشد که بتواند به مردم ثابت کند که وفادار به آرمان شهیدان است، مسلمان و پیرو قرآن است.

ما امروز به این احتیاج داریم، به خدا اگر روح اسلام

این خونهای پاک و عزیز یک ملت جات داد.

ما تا آخرین نفس و تا آخرین نفر خود کامگان و قدرتمندان جهانی اهیم جنگید.

آمریکا، اسرائیل، مزدوران جی و پیشوایان کفر فاجعه خونین لای ۱۷ شهریور را بوجود آوردند.

پیام شهدای ۱۷ شهریور حفظ دم، قرآن و وحدت است.

اگر روح اسلام و نقش قرآن در ن مردم ما زنده بماند، نه محاصره مادی و نه حمله نظامی و نه توطئه دتا و نه نابسامانی مادی و نه فقر یاهد توانست کمر این انقلاب را کند.

شهریور رفتید تا شهید شوید، اما گلوله دشمن به شما ننشست و امروز باز مشتاق شهادت هستید، به خدا قسم دشمنی که امروز در میدان شهدا شما یدان شما را کوبید، همان دشمنی است که امروز واحد ایران را بکوبد.

نروز آمریکا، اسرائیل، مزدوران خارجی، پیشوایان فاجعه خونین کربلای هفده شهریور را بوجود آوردند. همانها در آنسوی مرزها زندانند، امروز هم ما هدف گلولههایی هستیم که آمریکای غارتگر جنایتکار و نیل و مزدورانش بسوی ما نشانه رفتند. یادتان نرود که ن ما همان دشمن است. ای مشتاقان شهادت یادتان که آن شهادت بزرگ، آن شهادت دشمن برانداز هم پیش روی ماست. ملت ایران انتقام گرفت امامان را به جوخه های اعدام جوانان انقلابی سپرد.

بروز خسرو داد جلا هفده شهریور، همراه با فرعون رود و شداد در جهنم خشم خدا قرار گرفته است، زان و افسران اسرائیلی که برای این جنایت بزرگ به آمده بودند هر کدام (نام نشان دارها) به نحوی به اعمال خود رسیدند یا خواهند رسید. اما سلسله ن فاجعه های بی دریغ و خونین، یعنی پنجه مظلوم کش ن برانداز آمریکا همچنان آماده است تا باز هم حلقوم ن شارد. دشمن همان دشمن است، شما هم امروز باید ن مردم باشید و هستید.

رمان شهیدان

وق ملت ایران نشان داد که اسانه های چندین ده ای که از راههای مختلف به گوش می خواندند که ایران بی حالند، بی حرکتند، تحرک ندارند، نترین دروغهایی است که ممکن است برای ملتی گفته و بسته شود، ملت ایران با کاردی که کرد قهرمان های جهان شد، اما ای برادران و خواهران ما که ججا نشستیم با توجه به این که فرشتگان خدا فضای سحوطه را پر کرده اند باید مقداری دقیقتر حرف بزنیم و یم. اکنون این فضا به برکت شهیدان سرشار از معنویت هانیت و فضیلت است. امروز ما باید با مواظبت و دقت ، بزنیم، ما وارث خون شهیدان هستیم. آیا به آرمان ان عمل کرده ایم و یا می کنیم یا نه؟

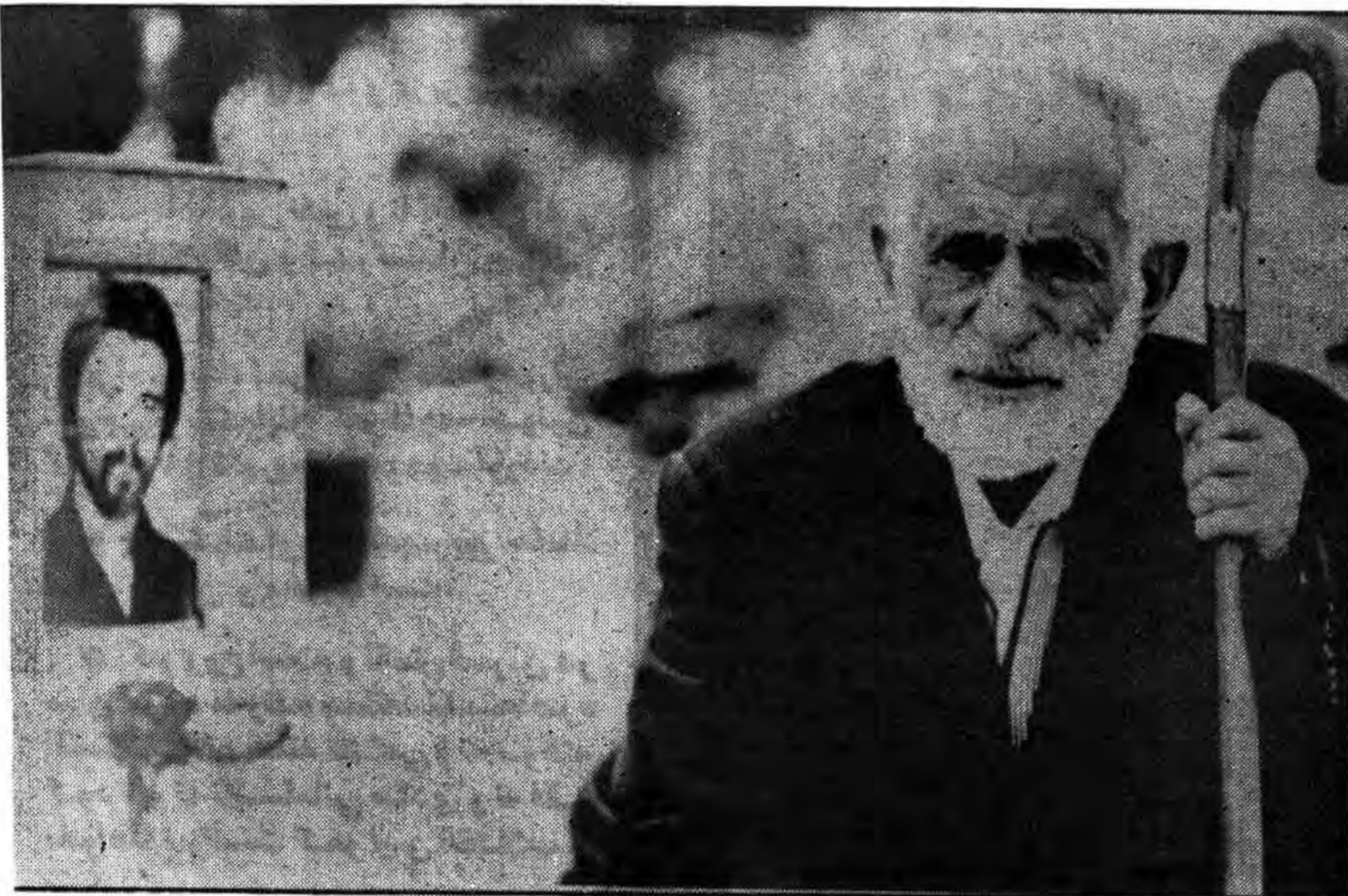
مان شهیدان «استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی» ما استقلال و آزادی را در قالب نظام جمهوری اسلامی ممکن بدست آوردیم، اما همانطور که میدانید پای درنده و دشمن های غدار از هر طرف در کمین تعاند آنها چه می خواهند؟ می خواهند کار آبی ما را برای یک حمله

د از ما بگیرند. آنها می خواهند کاری کنند که دیگر این نتواند حوادث عظیمی مانند کربلای هفده شهریور بند. ما را به خواستهای کوچکمان سرگرم می کنند. از نیروی معنوی لایزالمان غافل میکنند. دشمن سعی ند فقر اقتصادی ما، بیکاری ما، کمبود مواد غذایی ما، تن امکانات رفاهی ما را مرتب بر خ ما بکشد. دشمن بواحد قدرت خود را در برابر چشم ما بزرگ کند.

پیام امام در وضع کنونی انقلاب

ن می خواهم به شما بگویم، امام امت در اعلامیه ای که به

۱۷ شهریور از زبان شاهدان عینی



می‌دادند. تقریباً نزدیک ساعت ۹ بود که از هوا باهلیکوپتر و از زمین باجیب و مسلسل رگبار به طرف مردم شروع شد و جلوی اداره برق جمعیت به محاصره در آمدند و عده زیادی به شهادت رسیدند.

مجروح ۱۷ شهریور: من

عبدالکریم عرب آبادی شغلم بنا، اهل قم، روز ۱۷ شهریور در نزدیک همین میدان (شهدا) خانه یکی از دوستان بنایی داشتم، نردبان گذاشتم بروم پشت بام تا رسیدم صدای رگبار بلند شد یکنفر کارگر پیش ما بود تیر خورد و خواستم او را نجات دهم خودم از دو طبقه پریدم که شکم پاره شد و مدتی طولانی بستری بودم، ولی از آن روزیکه بهبودی نیافتم دست به بنایی نزدم و به خدمت پاسداری پرداختم.

صاحب قهوه‌خانه محل:

چون ماه رمضان تمام شده بود آمدم مغازام را افتتاح کنم، مردم همه نشسته بودند داخل میدان و جلوی اداره برق سربازها هم جلو می‌آمدند و مردم به خیابان روبروی اداره برق فرار میکردند تا اینکه از سه چهار طرف خیابانها را بستند و جمعیت به محاصره درآمد و شمار می‌دادند: «خمینی رهبرماست، سرباز برادر ماست و شاخه‌های گل به سوی سربازها پُست می‌کردند، ولی فرمانده آنها دستور تیر داد در همین موقع یک سرباز را دیدم که بسوی فرمانده رگبار بست و او را کشت. دیگر آنقدر شلوغ شد و تیراندازی به حدی رسیده بود که گوش فلک کر می‌شد و جنازه بر کف خیابان برجا می‌ماند، عده‌ای که توانسته بودند فرار کنند کفش و چادرهای خود را رها کرده و از صحنه کشتار به داخل کوچه‌ها و جوی‌ها پناه می‌بردند طوری که ما در حیاط صاحب ملک خودمان را شکستیم و مردم را به داخل بردیم، آنها که زخمی و مجروح بودند دیوار به دیوار از حیاطها رد می‌کردیم تا اینکه به بیمارستان می‌رساندند و با چشم خودم دیدم چند جوان تیر خورده بودند ولی هنوز جان در بدن داشتند، می‌خواستند آنها را ببرند فریاد می‌زدند ما زندگایمان فراموش می‌گفتیم بگذارید تا خونشان کشیده شود و بمیرند و حقیقتش بعضی از سربازها و ماموران

حماسه خونین ۱۷ شهریور میدان شهدا، یکی از حوادث جاوید تاریخ است که هرچه در رابطه با آن بگویند و بنویسند حق این روز ادا نخواهد شد اینک برای ادای جزئی از حقوق این روز پر خاطره بسای صحبت عده‌ای از شاهدان عینی این کشتار وحشیانه می‌نشینیم.

س- شما در روز فاجعه ۱۷ شهریور در کجا بودید، و ابتدا چگونه از حادثه مطلع شدید؟

ج- ساکن محل: ما آن روز صبح جمعه بود به حساب کارگر هم بودم تعطیل بود، ولی منزل ما داخل منطقه واقع شده است، وقتی اوادم بیرون دیدم مردم داخل دایره میدان جمع هستند و با هم صحبت می‌کنند. بنحویکه برادرها و خواهرها جدا بودند چون صبح زود بود، دیدم خبری نیست رفتم و بعد از نیم ساعت برگشتم جمعیت کثیری در داخل میدان و خیابانهای منتهی اجتماع کرده بودند. در همین موقع ۲ دستگاه جیب ارتشی آمد و داخل آنها یکنفر فرماندهی را به عهده داشت و به احتمال قوی آمریکایی یا اسرائیلی بود. مرتب به مردم گوش زد می‌کرد که متفرق بشوید، بروید خانه‌هایتان، جمعیت پاسخ می‌دادند ما کاری به جز این نداریم در همین موقع یک سری موتور سوار آمدند و جمعیت را به شمار دادن دعوت می‌کردند باز فرمانده گفت تاسه می‌شمارم اگر نرفتید شما را به رگبار می‌بندم، مردم جواب می‌دادند چه به رگبار، ببندی چه نبندی ما از اینجا نمی‌رویم، اول چند تیر هوایی زدند و بعد مردم را به رگبار بستند و عده زیادی از صحنه دور شدند و داخل کوچه‌ها جویها سنگر می‌گرفتند ولی ناچوانمردانه طرف خیابان فویزه و فرح آباد سابق را بستند و مردم را به محاصره در آوردند، و چون فرمانده دستور تیر می‌داد، یک سرباز جلوی چشم خودم با سر نیزه خودش را کشت، و بنظر من در حماسه ۱۷ شهریور قریب پنجاه نفر به شهادت رسیدند و خون در کف خیابان موج می‌زد.

کاسب میدان شهدا: صبح جمعه سیاه یا ۱۷ شهریور سال ۵۷ وقتی سرکار آمدم، دیدم مردم در داخل میدان نشسته بودند و شمار

کلاتری به مردم کمک می‌کردند یا کاری می‌کردند مردم فرار کنند و کشته نشوند.

سهرساز- بسم‌الله

الرحمن الرحیم- روز ۱۷ شهریور ساعت هشت صبح به اتفاق برادرم از منزل که پشت خیابان رگبار است بیرون آمدم، متوجه شدیم که امروز راهپیمایی است و مردم جلوی اداره برق اجتماع کرده بودند و ما هم کنار تلفن عمومی جلوی اداره نشسته بودیم، می‌گفتند یکنفر می‌خواهد سخنرانی کند، مردم را اول با تیر هوایی از جا بلند کردند و سپس به طرف آنها تیراندازی شد و یکی بعد از دیگری توسط مزدوران رژیم شاهنشاهی قتل عام شدند، حتی هر ماشینی که در حرکت بود از زمین و هوا به رگبار می‌بستند.

استاد کار اداره برق: من اصغر زراعت دوست، استادکار اداره برق، صبح جمعه بود آمدم اداره دیدم شلوغی گفتم چه خبره گفتند تظاهرات و سخنرانی است، سربازها جلوی اداره را بسته بودند، یک برادر معلول یک سینی نقل آورده بود به سربازها بدهد، اما آنها با

شنیدم از منزل تا خیابان شهدا کوچه به کوچه رفتم تا بلکه بتوانیم خواهران و برادران زخمی را نجات دهیم، یک شیشه گوکتول مولوتف دستم بود تا پرتاب کردم متوجه شدم پیام مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌ام که دیگر چیزی را متوجه نشدم.

س- می‌دانید که امام است روز ۱۷ شهریور را یوم‌الله نامیده‌اند. بنظر شما فلسفه این نامگذاری چیست؟

ج- عابر: چون روز ۱۷ شهریور واقعا روز بزرگی بود و نام بسیار شایسته آن همان است که نایب امام زمان امام خمینی بنام یوم‌الله نامگذاری کرده‌اند و روزی که مردم در راه خدا با جان خود سدی بزرگ در برابر توبها و تانکها ساختند.

سهرساز: در این روز مسلماً چهار یا پنج هزار نفری کشته شدند، باید خیلی بالاتر از اینها نام این روز در تاریخ برای نسل آینده زنده بماند.

عابر: بنظر من امام خوب و صحیح فرمودند، و تمام روزهاییکه جوانان ما خون

چه بود؟ آنها برای چه در برابر توبها و تانکها تا آخرین نفس ایستادگی کردند؟

ج- مجروح و پاسدار: هدف این بود که آزادی می‌خواستند و در فکر آن بودند تا رژیم شاهنشاهی را که خون مردم را می‌مکید برچینند و بجای آن اسلام بیاید. هدف منکه پاسدار هستم و در کمیته مشغول خدمت هستم این است مملکت اسلامی و خوب بشود و از جنگ امریکای جنایتکار در آید.

صاحب قهوه‌خانه: برای اینکه اسلام دوباره زنده شود- برای انقلاب اسلامی- اینکه جمهوری اسلامی در ایران پیاده شود.

صاحب سهرساز: هدف استقرار جمهوری اسلامی بوده و مخالفت با دیکتاتوری که بر مردم حاکم باشد و آن اسلام حقیقی و دین پیغمبری بر مملکت حکومت کند.

مجروح ۱۷ شهریور: حماسه آفرینان ۱۷ شهریور پنجاه سال زیر سلطه شاهنشاهی بودند و افراد مستضعفی بودند و کسی بدرشان نمی‌رسید

اسلامی پدید آورد؟ سهرساز: دستاورده حماسه ۱۷ شهریور است که از آزادیهای کا مثلاً آزادی سیاسی و با استفاده می‌کنیم و بهتر از؛ می‌خواستیم چه باشد. دشمنان ما بخصوص آمر بگذارد ما باید انقلاب را تمام جهان مستضع بکشانیم.

س- اگر خاطراتی از تاریخی دارید لطفاً بفرمائید؟

صاحب قهوه‌خانه: چند همین جلوی مغازه اف بودند که هنوز زنده بود ولی آنها را داخل یک و انداختند و بردند و دیدم اینکه مغز یک برادر انقا بوسیله اصابت گلوله، شیشه مغزها ریخته با تاسه روز همانطور باقی بود تا اینکه آن را پاک کر

سهرساز: من بزرگ خاطره‌ای که دارم این که شب ۱۷ شهریور برای پیدا کردن برادر، بیمارستان جرجانی رفتم پسر جوان تیر خورده به روی تخت خوابیده به تقاضای آب می‌کرد، من دادم می‌خواست از تخت بلند شود، گفتم به

پرتاب کردم، ناگهان پیام سوخت دیدم گلوله خوردام و دیگر چیزی نفهمیدم.

بعضی از سربازها و ماموران کلاتری به مردم کمک میکردند، یا کاری میکردند که مردم فرار کنند و کشته نشوند.

۲ دستگاه جیب نظامی آمدند که داخل آنها یک نفر فرماندهی میکرد و به احتمال قوی آمریکایی یا اسرائیلی بود.

مغز یک برادر مسلمان با اصابت گلوله به شیشه مغزها ریخته بود که بعد از سه روز آنرا پاک کردم

یک سرباز را دیدم که بسوی فرمانده رگبار بست و او را کشت.

بنشین می‌گفت باید به زاله (شهدا) بروم و باید آنجا با برادران هم رزم شهید شوم و این نیروی مسلمان حقیقی و انقلابی نشان می‌داد. عابر: والله خاطره

و همانطور که امام تأکید کردند انقلاب از طبقه پائین و مستضعف است. **س- حماسه ۱۷** شهریور دارای چه دستاوردهایی بود، و چه نتایجی در انقلاب

همه خیابانهای اطراف را بستند و جمعیت به محاصره درآمد و ناگهان از هوا با هلی کوپتر و از زمین با جیب مسلسل رگبار گلوله‌ها بسوی مردم باریدن گرفت.

روز ۱۷ شهریور حدود ۵ هزار نفر به شهادت رسیدند و خون سرخ مردم مسلمان در کف خیابان موج میزد.

یک پسر تیر خورده روی تخت بیمارستان تقاضا میکرد که حتما باید به میدان ژاله (شهدا) برود و همراه دیگر برادران مسلمان خود شهید شود.

یک شیشه گوکتول مولوتف دستم بود که

گستاخی با لگد نقل‌ها را به زمین ریختند که یک سرگرد پیرمرد بود گفتم چرا اینجوری می‌کنند او برگشت و شروع به ناسزا گفتن کرد. **مجروح ۱۷ شهریور:** من چون صدای تیراندازی را

می‌دهند یوم‌الله است، نه فقط ۱۷ شهریور. **کاسب میدان:** برای اینکه انقلاب برای حکومت اسلامی از آن روز شروع شد. **س- بنظر شما** هدف و آرمان شهدای ۱۷ شهریور



سته، ولی یک خاطره آن روز زرگ من این است که با یکی دوستانم وسط جمعیت بودیم یکدفعه صدای رگبار شروع شد، در همین حال و ستم به زمین افتاد، اسم او پاس عبادی بود. بلافاصله ک فنداق تفنگ هم به سر من خورد متوجه شدم که تعدادی رهاز بالای سر من هستند که همان لحظه یکدسته از ادران وارد خیابان شدند و رهازهاییکه من را کتک میزدند بسوی آن برادران مله کردند و آنها را به گبار بستند، من از موقعیت بتفاده کردم و به کمک چند ر دوستم را بلند کردم و از خانه خارج کردم ولی متأسفانه نرسیده به مارستان به شهدا پیوست. مجروح ۱۷ شهریور: من بوی کوچه حریرچیان دم، یک زن دنبال بچاش

می گشت و یک بچه چند ماهه هم بغل او بود، همانطور می آمد و سراغ بچاش را می گرفت، یک مرتبه دیدم گلوله خورد به قلب مادر و بچهای که روی سینه اش بود و هردوتایی به زمین افتادند و به شهدا پیوستند و این خاطره اسفانگیز را تمام دوستان کوچه حریرچیان می دانند.

آیا شما باشهدای ۱۷ شهریور آشنایی داشتید؟ اگر جواب مثبت است، بفرمائید آنان دارای چه خصوصیات فردی و اجتماعی بودند؟

صاحب قهوهخانه: چرا یکی از دوستانم که چند قدم بالاتر بود خیلی پسر فعالی بود در روز ۱۷ شهریور به شهادت رسید. سپرساز: من از همه

بیشتر با برادرم عباس صادق صادقیان که یکفرد کارگر است آشنایی داشتم و خودم نیز کارگر هستم. برادرم در لحظه اول تیراندازی شهید شد.

ولی چون شلوغ شده بود و ما به پشت اداره برق رفته بودیم، سربازها به آن طرف تیراندازی کردند و برادرم یکی از تیرخورده ها بود، ولی نتوانستم او را ببرم تا شام دنبالش گشتم تا اینکه روز بعد در بهشت زهرا جنازش را به ما تحویل دادند. او یک شخص مذهبی و خوش اخلاق و انقلابی بود و همیشه در اجتماع با مردم همراه بود.

هاپر: بله همان عباس عبادی که گفتم و چندتن دیگر از بچه های خیابان ناصری بودند و اینها افرادی مذهبی بودند و فعالیت های

قابل توجهی برای پیشرفت اسلام و تحقق حکومت اسلامی داشتند.

استاد کار اداره برق: جلوی در اداره یکی آمد تداخل شود، چون سربازها دنبالش کرده بودند که مأمور جلوی در شخصی بنام «رحیمی» ممانعت کرد و باعث کشتن ۴ برادر بیگناه و انقلابی شد.

مجروح ۱۷ شهریور: بله یکی از دوستان من مجید شهرتاش این فرد دلال بود و یک موتور داشت که خیلی فعال بود، یک روز می خواست اسلحه یک سرباز را بگیرد که ناگهان از پشت او راه رگبار بستند و به شهدای راه اسلام پیوست.

من - فکر می کنید چگونه می توان راه شهدای حماسه ۱۷ شهریور را در شرایط کنونی ادامه داد؟

پاسدار مجروح: باید انقلاب را ادامه دهیم تا فتح و پیروزی اسلام کامل گردد من که ۵۰ سال دارم راضی هستم بروم با کفار بچنگم تا خون شهدای ۱۷ شهریور را پاسدار باشیم.

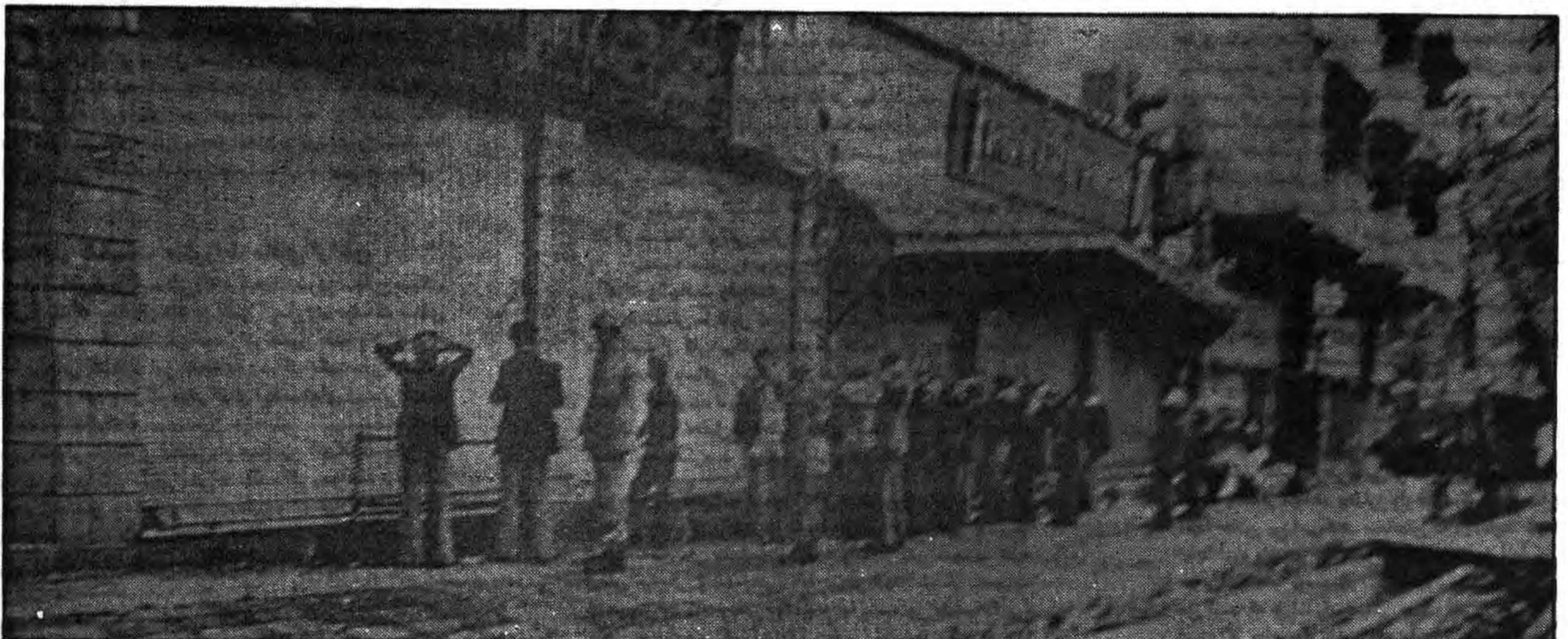
سپرسازی: در شرایط کنونی امام امت هر چه می گویند نظرم هم همانست و هدفی داریم که امام امت دارد. او برای ما شاخص است و با این جوسازی هایی که می کنند هر چه که رهبر می فرمایند بازگو کنند حقایق است. و ما مطیع امر امام امت هستیم.

هاپر: بیشتر با همدیگر همبستگی داشته باشیم و همه شاهد بودیم که چگونه خون پاک شهدا ریخته شد و ما اگر سستی کنیم مدیون خون آنها هستیم و اگر

آنها را بباد آوریم خواه ناخواه به فکر انقلاب و اسلام می افتیم.

استاد کار اداره برق: همه با هم متحد باشیم گوش به حرف هیچ کس ندهیم، رهبر انقلاب امام خمینی، و اینهایی که این همه دم از گروهکها می زنند و دستشان به خون مردم آلوده است مانند کرمهای ساقه خوار هستند که باید آنها را از بین ببریم. تا انقلاب اسلامی به پیروزی کامل برسد.

مجروح ۱۷ شهریور: راه آنها از همان اول معلوم بود راه اسلام و امام خمینی، ولی یک سری منافقین هستند که روحانیت و سران مملکت ما را که تلاش فراوانی برای رهائی مستضعفین انجام می دهند، می کشند و ما باید تا آخرین قطره خونمان از اسلام و امام پشتیبانی کنیم.



متن زیر که از نظر گرامی خوانندگان می گذرد سخنرانی رئیس مجلس شورای اسلامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی است که در روز هفده شهریور سال ۵۸ در ایراد شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله والصلوة على رسول الله وآله اجمعين. قال العظيم في كتابه اعدو بالله من الشيطان الرجيم: ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة.

یکسال قبل در چنین روزی که برادران مسلمان ما در این میدان پر عظمت به خاک و خون کشیده می شدند من در زندان اوین از طریق رسانه های جمعی بطور محدود و ناقص در جریان حوادث این میدان قرار گرفتم. احساساتی که آنروز برای ما وجود داشت آنچه که امروز بالعیان می بینیم، از دیدگاه یک مسلمان آشنا به روح اسلام، تفاوت زیادی نداشت.

ما آنروز هم می توانستیم از جریان تاریخ و وعده های الهی و آنچه که قرآن به مجاهدان و مبارزان و شهدا نوید داده است، صحنه امروز را پیش بینی کنیم. ولی این پیش بینی برای ما امکان داشت. دشمنان ما و کسانی که

حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی:

آنروز که در میدان شهدا ملت مسلمان ما را بخاک و

خون کشیدند

فکر میکردند ملت ما

خاموش می شود

*** در زندان کسانی که با دید مادی و تحلیل مادی انقلاب ایران را تحلیل میکردند حاضر نبودند پیروزی انقلاب و پیروزی ملت ایران را با این سرعت در فکر خود تصور کنند.**
*** کشتار مردم نه تنها عامل سرکوب نبود بلکه بعنوان عامل سرعت دهنده پیروزی انقلاب شد.**

نمی توانستند ارج و اعتبار مکتب اسلام را ارزیابی کنند از پیش بینی این روزها عاجز بودند. ما در زندان با افرادی که آنجا بودند بحث میکردیم، وقتی از آینده نهضت و انقلاب صحبت میشد، کسانی که با دید مادی و تحلیل مادی انقلاب ایران را تحلیل میکردند، حاضر نبودند پیروزی انقلاب و پیروزی ملت ایران را با این سرعت در فکر خود تصور کنند. با تکیه بر تحلیلهای ناقص مادی و ادعای علمی بودن مبارزه براساس ماتریالیسم تاریخی، میگفتند مراحل بسیاری در پیش داریم تا ملت آگاهتر شود، ملت ما مسلح شود، و در یک مبارزه طولانی درگیر شود، از دریای خون عبور کند و بعد از گذشت سالها در آنطرف دریای خون، ساحل نجات و پیروزی را ببیند. اما قرآن و دین و مکتب اسلام با مسائل چنین برخورد نمی کند.

علل شکست مبارزات مادی گرایان

از اساسی ترین مسائلی که در بحث امروز مطرح میکنم این است که مخالفان ما و در رأس آنها رژیم سفاک منافق پهلوی باید علت شکست خود را در همین نقطه و در همین جا بررسی کنند. و این نقطه عدم درک انگیزه های انقلاب اسلامی و عدم درک محرک های نهضت های دینی است. آنها اینکه غرق در مادیگری و مادیگرایی هستند ولو مادیگری مکتبی، و همچنین آنها که غرق در لذات و شهوات و دنیاپرستی هستند، اگر بخواهند موقعیت نهضت مکتبی و مذهبی ما را تحلیل و توجیه کنند، یقیناً عاجز هستند و همین عجز آنها باعث میشود که در مقابل این نهضت سلاح لازم را بکار نبرند. مشکل اساسی آنها همین جاست. مادی گرایان روحیه یک انقلابی مسلمان را درک نمی کنند

یک دنیاپرست، یک جاه و مقام پرست، یک نفر انسان لذت جو و شهوت پرستی که به حکومت و ریاست و قدرت و نفوذ، از دیدگاه تنگ و محدود و نادرست خود پرستی نگاه میکند، چگونه میتواند انگیزه های یک نهضت عظیم مکتبی مذهبی را درست ارزیابی کند، و برای خشی کردن آنها اقدام مناسب نماید؟ یا یک انسان مادی، انسانیکه همه جهان و همه زندگی را یک پدیده مادی و فقط محدود به همین جهان و براساس ماده توجیه میکند، از فکر و ذهن و روحیه و تحلیل و خواسته های یک انسان مبارز مکتبی مسلمان معتقد چه می فهمد؟ چون نمی فهمد، در نتیجه نمی داند با این انسان چگونه برخورد کند و همچنین نمی داند با این انقلاب چگونه برخورد کند.

اگر به این نکته اساسی توجه کنید خوب می فهمید که چرا انقلاب ما آنروزها با آن سرعت پیروز شد، چرا امروز هر توطئه ای که دشمنان انقلاب ما میکنند به سرعت نسف برآب میشود. چرا؟ علت اساسی این است خوشبختانه و به لطف خدا آنها عمق انقلاب ما را نمی فهمند. روحیه یک انقلابی مسلمان را نمی فهمند و خیال میکنند با آن گونه اقدامات که فقط صلاحیت شکست دادن خودشان را دارد، میتوان جبهه انقلاب را شکست و انقلابیون را از میدان بیرون کرد!

آنروز که در این میدان بطور غافلگیرانه ملت مسلمان و جوانان شریف ما را به خاک و خون کشیدند، فکر میکردند که با این سرکوبی و خشونت و کشتار ملت ما آرام و خاموش می شود! چون ارزیابی غلط بود، چون نمی دانستند محرک یک انقلابی مسلمان چیست؟ این چنین اقدام کردند و این اقدام شکست خورد.

آنروز ما در زندان از طریق رادیو گاهی اظهار نظرهای خارجی ها را می شنیدیم. آنها فکر میکردند بعد از سرکوبی میدان شهدا برای مدتی طولانی انقلاب اسلامی ایران خاموش میشود و چون اینطور فکر میکردند، به حساب و به خیال آنها برنامه نهضت و انقلاب برای مدتی حتی طولانی تر از یکی دو سال عقب خواهد افتاد. ولی برای خود انقلابیون و در رأس آنها برای رهبر عظیم الشان انقلاب، آیت الله العظمی امام خمینی (صلوات) در همان روز آن

سرکوبی و کشتار و آن قساوت نه تنها بعنوان عامل سرکوب نبود بلکه به عنوان عامل سرعت دهنده به انقلاب و یکی از پله های عظیمی که انقلاب بطرف پیروزی پیموده بود تلقی شد. همان روزها امام در بیانیه ای با صراحت فرمودند: این آخرین نفسی است که دستگاه پهلوی می کشد. و این آخرین ضرب ایست که بیش از آنکه به ملت ما ضربه بزند، به خود رژیم ضربه می زند و آن پیش بینی درست بود. امروز هم مسئله چنین است. از روزی که انقلاب ما پیروز شد دشمنان ما از سرکوبی نهضت ما محروم و مأیوس شدند، احمقانه و جاهلانه بفکر توطئه و تزویر برای تضعیف انقلاب افتادند!

توطئه ها در محافل مخصوصی رده بندی شده و برای هر یک از این توطئه ها زمان و برنامه مخصوصی در نظر گرفته اند. دشمنان مشترک ما، بقایای ساواک، عمال امپریالیسم شرق و غرب، کسانی که در این کشور منافع خود را با پیروزی انقلاب اسلامی در خطر می دیدند و همچنین وقتی شهواتر آنها و ولگردها و استثمارگران و غارتگرها دیدند جایی در این انقلاب ندارند و بطور کلی مجموعه مخالفان ما با همه اختلاف و تضادشان در یک نقطه مشترک و متحد شدند و آن سرکوبی انقلاب اسلامی است. توطئه ها شروع شد. اولین برنامه ای که برای خود ریختند، حمله به مراکز اقتصادی و منابع تغذیه مادی کشور بود. توطئه در کارخانه ها و کارگاهها، و مبارزه با ایجاد کار و ایجاد اقتصاد سالم، و به هم ریختن نظام کارخانه ها از طریق تحریک و تشویق کارگران به کم کاری یا بیکاری، اعتصاب یا تحصن از جمله توطئه های بود که کردند. و دیدید که تمام این برنامه ها با تبلیغات منظم ما و با هوشیاری جالب مردم ما و با عمق علاقه مردم به اقتصاد اسلامی و به انقلاب اسلامی شکست خورد. علیرغم آنچه که غربیها پیش بینی می کردند و می گفتند در سه چهار ماه اول انقلاب، ایران دچار تورم دو رقمی می شود و تورم و گرانی و کم جنسی و فحطی و بیکاری کشور را منبج می کند.

این پیش بینی شکست خورد، چرا؟ علت این است که کارگر مسلمان ایرانی بیش از آنکه خودش را ببیند، کارش را ببندد، دستور رهبر و مرجع تقلیدش را می بیند و عاقبت و آخرت و شهادت و قیامتش را در نظر می گیرد. این مسئله برای دشمنان ما قابل تصور نبود. می گفتند کارگری که ماههاست از کار، بیکار شده و در خانه اش نان و غذا ندارد، زن و بچه او وسائل زندگی ندارند، این انسان گرسنه و آزاد شده از قید و بند دیگر آرام نمی نشیند و فضای کشور را بهم می زند. این تحلیل ها تحلیل مادی است. آنها به اینطرف قضیه توجه نکردند و بهمین دلیل شکست خوردند.

دومین توطئه آنها این بود که از همان روزهای اول شعار انحلال ارتش را دادند. گروه های افسرانی چسب در نوشته هایشان با نهایت تأکید خواستار این بودند که ارتش ضدملی و ضد خلقی باید منحل شود! شعار بصورت ظاهر مترقی بود و خیر خواهانه، اما پشت این نقاب انگیزه بسیار خبیث و یک نقشه شیطانی، وجود داشت آنها

می خواستند ارتش و شهربانی و ژاندارمری ما منحل شود و همه نیروهای انتظامی ما مشتت و مضمحل شوند. و بعد اهداف کثیفشان را از طریق تخریب و کارهایی که شروع کرده بودند جامه عمل ببوشانند. اما کور خوانده بودند. خیال می کردند رهبر ما، ملت و ارتش ما به اندازه آنها نمی فهمند و اصولاً با مکتب اسلام آشنایی نداشتند، والا می دانستند چنین شعاری پذیرفته نیست. گرچه در آن زمان ما از اقدامات ارتش گله داشتیم و آنها تکیه مقصر بودند مجازات کردیم، اما مجموعه قوای انتظامی ما اینطور نبودند. ما به همه آنها به یک نظر نگاه نمی کردیم. ما با تعلیمات اسلامی خود و براساس مکتب خود معتقدیم که انسان ها بالفطره جانی و گناهکار آفریده نشده اند، اگر عده ای تحت فشار خاندان کثیف پهلوی و راهسمائی مستشاران امریکائی و اسرائیلی به فساد کشیده شده بودند، بارهمنائی امام و خواست ملت و با تسلیم قرآن دوباره به دامن اسلام و دین و ملت برگشتند و دیدید که چه زود برگشتند.

اگر ما آنروز تسلیم آن شعار عوام فریبانه شده بودیم و ارتش را منحل کرده بودیم، امروز در کردستان و دیروز در گنبد و فردا در جاهای دیگر، چه می کردیم؟ ارتش نشان داد مسلمان است و آماده پذیرش فرمان رهبری است، نشان داد که در موقع مناسب درد ملت را می فهمد و به

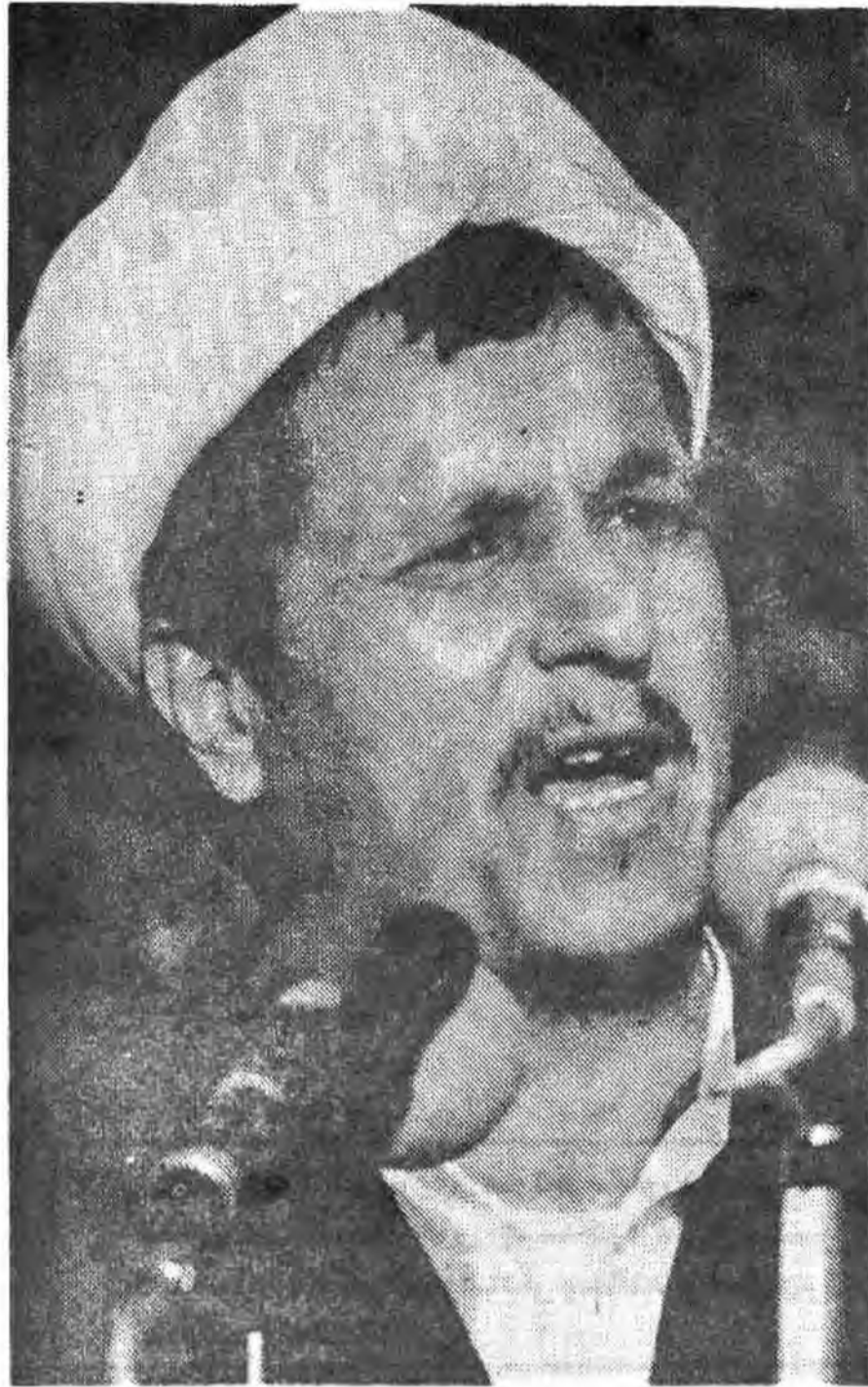


وظیفه خود عمل می کند و عمل هم کرد، ارتش نشان داد که اگر دیروز آن قساوتها را انجام می داده بدلیل قساوت رهبر آن روز بوده است. چون محمدرضا پهلوی گرگ، خونخوار بود، امرای ارتش دیروز خونخوار و سفاک بودند چون خواسته آمریکا و اسرائیل سرکوبی ملت بود. ولسی امروز وقتی شما اخبار کردستان را شنیدید، متوجه شدید که ارتش همه گونه ملاحظه های کرد، تاخون از دماغ کسر جاری نشود. هنگام ورود به سقز خود دهها شهید داد برای اینکه مردم بی گناه کشته نشوند. برای رفتن به مهاباد چند روز صبر کرد تا زمینه مساعد شود و مردم بفهمند بی جهت کشته نشوند. و مجموعاً با داشتن امکانات تخریب کمترین تخریب را در کردستان کرد. این هم یکی از اشتباهات دشمنان ما و کوردلی آنها که نمی فهمند.

یکی از نقشه های دیگرشان این بود. آنروز که ما بنیا سپاه پاسداران انقلاب را می ریختیم، متأسفانه از طرف گروه هایی که خود را انقلابی معرفی می کردند، سمپاشی شرا

شد. خواستند پاسداران را متهم کنند، خواستند بگویند اینها مرتجع هستند و زور می گویند! خواستند بگویند این وسیله زور و وسیله خفقان می شوند! تبلیغاتشان شکست خورد و پاسداران اسلامی به جای ماندن، و امروز سرا، کشور شما زیر پوشش پاسداران انقلاب اسلامی است و بر شما امنیت و آرامش را تضمین می کند.

مطمئن باشید از هر جایی از کشور، نغمه شیطنت با شما می آید، پاسدار مجاهد و مبارز و از خود گذشته ما به سر ما آنجا حضور پیدا می کند. همانطور که دیدهایم. شهادت بر اینها آرزو و افتخار است. مردمی که تا دیروز آنطور به ج خود علاقه مند بودند (ارتش و غیر ارتشی) امروز گریه و نا می کنند که چرا ما را به میدان جنگ نمی فرستید؟ خدا گ است اگر جای من بودید و به اندازه بنده با تقاضای شهدا



فدائی کرد بودند؟! چگونه برادران کرد ما می‌تواند فریب اینها را بچورند؟
به این ترتیب توطئه حساب شده‌ای که آنها به آن حیثی اهمیت می‌دادند و می‌خواستند در شرق و غرب، جنوب کشور بلوا برآید و هیاهو کنند و کشور را دچار جنگ داخلی کنند، به خیال خود لبنان جدید ایران بنامند، همانطوری که ملاحظه فرمودید شکست خوردند توطئه‌های جدیدی هم که مطرح بشود همینطور خواهد شد. من به تمام محالمان انقلاب اسلامی اعلام می‌کنم، مطمئن باشید با این روحیه‌ای که مردم ما دارند و با این افکار اسلامی ما از انقلاب و آینده کشور در هر توطئه‌ای که بریزید و دنبال هر حیثی که بروید، حتی اینکه مرگ خود را نزدیک کنید چیر دیگری خواهد بود مطمئن باشید اگر یکی از اهداف شما این است که با هیاهو و تحریب انقلاب مارا به خشونت بکشانید و ما را وادار کنید دست به خشونت بزنیم، و بعد در دنیا تبلیغات راه بسازید که انقلاب اسلامی خشونت می‌کند و چنگیر در ایران ظهور کرده است، اینهم مثل بقیه توطئه‌های شما شکست می‌خورد.

فرمان بسیج عمومی و عفو

شما دیدید ما وقتی به کردستان رسیدیم، دیدیم ارتش و سپاه پاسداران با نهایت شجاعت محرابین و خرابکاران را در کردستان می‌کوبد، امام همراه فرمان بسیج عمومی، دستور عفو نیز دادند. شما در کجای دنیا پیدایمی کنید که در جنگ و همانجا که گلوله‌ها از طرف دشمن به طرف ارتش و سپاه ما می‌بارد اعلان عفو بشود؟ اگر از نظر روحی ارزیابی صحیح نکنید، این عمیقترین دلیل قدرت ماست. این نشان دهنده پشتوانه عظیم روحی ملت ماست. یعنی با اینکه شما به روی ما مسلحه کشیدید، با اینکه سپاه پاسداران ما را محاصره کرده و با جانمردانه شهید کردید، با اینکه عده‌ای از افسران و سربازان و درجه داران شریف ما

مردم مواجه می‌شدید خیلی هیجانی‌تر از من حرف می‌زدید. جوانها اشک از چشمانشان جاری بود و گله می‌کردند که چرا نوبت مارا به تأخیر انداختند و مارا به کردستان نفرستادند. نامه‌های متعددی از خانمها به دست من رسیده است که به ما اعتراض کرده‌اند، فلانی شماها که مدعی هستید که در مکتب اسلام حقوق مرد وزن مساویست چرانی گذارید ما زنها به شهادت برسیم؟ چراما باید از مبارزه در صحنه‌های کردستان محروم باشیم؟ اینها چیزهایی است که دشمنان ما نمی‌فهمند. یک آدم مادی، ماتریالیسم، کمونیسم که انسان را مثل یک درخت و مثل یک قائل نیست، آینده‌ای برای انسان قائل نیست، آخرتی قائل نیست، خدائی قائل نیست، از دیدگاه مکتب او، شهادت چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ اینجا تعصب و مکتب باهم مخلوط می‌شوند.

شهید در قاموس اسلام

نقطه اساسی مطلب این است، کلمه شهید که در قاموس اسلام و در مکتب اسلام این همه تقدس کسب کرده است، در هیچ جایی از مکاتب دنیا وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد. آن دیدی که اسلام به شهید دارد هیچ مکتبی ندارد. قرآن می‌فرماید:
ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة.

خدا جان مردم مؤمن و مسلمان را تحویل می‌گیرد و در بهشت الهی لقاء الله نصیبشان می‌شود. زندگی همیشگی در جوار خدا و پیغمبر خدا و برای سعادت ابدی، حضور در محضر ربوبی با مکتب مادی این مقام چگونه می‌تواند مونتاز شود؟ شهید از دید آنها یعنی چه؟ آنها وقتی می‌گویند شهید، منظورشان چیست؟ شهید برای چی؟ شاهد چی؟ حضور در کجا؟ حداکثر کار اینها این است که اگر کسی در میانشان درخشید، محسسه‌ای از او بسازند و در میدانی

*** ما امروز هم می‌توانستیم از جریان تاریخ و وعده‌های الهی و آنچه که قرآن به مجاهدان و مبارزان و شهدا نوید داده است، صحنه امروز را پیش‌بینی کنیم.**

*** مادی‌گرایان روحیه یک انقلابی مسلمان را درک نمی‌کنند.
* به لطف خدا دشمنان عمق انقلاب ما را نمی‌فهمند.**

*** علت شکست مخالفان ما، عدم درک انگیزه‌های انقلاب اسلامی و عدم درک محرک‌های نهضت‌های دینی است.**

*** امروز که در میدان شهدا ملت مسلمان ما را بخاک و خون کشیدند، فکر می‌کردند که با این کشتار و سرکوب ملت ما خاموش می‌شود.**

*** از روزی که انقلاب ما پیروز شد و دشمنان ما از سرکوبی نهضت ما محروم و مایوس شدند، احمقانه و جاهلانه بفکر توطئه و تزویر برای تضعیف انقلاب افتادند.**

*** دشمنان ما و کسانیکه نمی‌توانستند ارج و اعتبار مکتب اسلام را ارزیابی کنند از این پیش‌بینی این روزها عاجز بودند.**

شاید برکتی. مثل پیرزنها که امیدشان از همه جا قطع شده در خانه‌هایشان می‌نشینند و نسبت به شخصیتها و چهره‌های انقلاب چیزهایی می‌بافند و بس مردم پخش می‌کنند، به این دلیل که این شخصیتها را بدنام کنند. چقدر این عمل پست است! این کار، نهایت ضعف و پستی و ذلت انسانی است که می‌خواهد به عنوان مخالف سیاسی خود را در اجتماع نشان دهد. شما بدانید و مطمئن باشید در این کشور، در کشور علی و امام صادق(ع)، در کشوری که رهبری آن بدست شخصی چون امام است، و در کشوری که مردمش از صمیم دل به اسلام و شیعه علاقمند هستند، مکتب‌های مادی و ضد خدائی، و الحاد نمی‌تواند پیروز شود. شما اگر مقداری هم موفق شوید مردم را اذیت کنید و جنگ اعصاب راه بیندازید و... در این کشور به نتیجه‌ای نمی‌رسید. من دوستانه، خیرخواهانه و ملت‌مانانه از همه شما می‌خواهم که بیایید و سازگاری کنید، بیایید با معیارهای اسلامی که کشور را اداره می‌کند مخالفت نکنید. بگذارید انقلاب به سرعت راه خود را بپیماید و کشور را آرام کند و به سعادت برساند. و شما هم در سایه این انقلاب یک زندگی انسانی و آزاد داشته باشید. همانطور که مکرر گفتیم و بارها هم در آینده تکرار خواهیم کرد، ما به شما آزادی می‌دهیم، به شما امکان می‌دهیم که افکارتان را اظهار کنید. امکان مستینگ دادن، انتخاب کردن و انتخاب شدن، روزنامه داشتن و کلوب داشتن و شرکت در کارهای کشور را می‌دهیم، اما مشروط به اینکه خیانت و توطئه و بدخواهی نسبت به راه اکثریت مردم در کار نباشد.

را شهید کردید، اما ما در پی انتقام جویی از شما بر نیامدیم، ما کینه توز نیستیم، ما آرامش کشور و سعادت مردم و سعادت خود شما را می‌خواهیم. توطئه دیگری که کرده بودند این بود که می‌خواستند بنام شیعه و سنی و بنام کرد و فارس بین ملت ما اختلاف بیندازند، در گنبد ترکمن‌ها، در خوزستان، عرب در بلوچستان، بلوچ و زابلی و در کردستان، کرد، و در همه جا مسئله سنی و شیعه را مطرح کردند. می‌خواستند با این توطئه‌ها و فریبکاریها صف ملت ما را بهم بزنند. اما شما امروز شاهد هستید که خود مردم کرد و خود برادران مسلمان سنی ما شعار وحدت می‌دهند و به فریبکاری و خیانت اینها توجه نمی‌کنند.

توطئه جدیدی که کم و بیش از گوشه و کنار به چشم می‌رسد و گاهی به گوش چیزهایی می‌شنویم، این است که دشمنان ما، مخربان داخل کشور، آنها که آینده‌ای برای خود و مکتبشان در نهضت انقلابی اسلامی شما نمی‌بینند، مقدمات حمله و تحریب در مؤسسات علمی، فرهنگی، مدارس، دانشگاهها را فراهم می‌کنند، اینبار قصد هجوم به مرکز تعلیمی و فلج کردن فرهنگ و دانشگاه و آموزش شما را دارند. ولی بدانند اگر در کردستان و گنبد پیروز شدند اگر در کارخانه‌ها پیروز شدند و اگر در بقیه کارها پیروز شدند، اینجا هم پیروز خواهند شد. وقتی ملتی بیکارچه و با اکثریتی در حدود نود و نه درصد، چیزی را نمی‌خواهد چه می‌شود کرد؟

سرکوب تروریسم

آخرین کار شما مخالفین ترور است. در جامعه‌ای که اکثریت ملتش با تروریسم مخالف است، تروریسم پیش نمی‌رود، چون بالاخره ترور کنندنده را سرکوب می‌کنند، ملت آنها را نمی‌پذیرد، شما خیال نکنید اگر در رژیم گذشته مردم با کسانیکه علیه رژیم گذشته اعدام انقلابی می‌کردند، احترام می‌گذاشتند، حالا هم به شما که علیه رهبران کشور جنایت‌هایی را مرتکب می‌شوید، می‌توانند به شما احترام بگذارند. شما اگر زیر سنگ هم بروید پیدایتان می‌کنند و تحویل محاکم صالحه می‌دهند. از دیگر توطئه‌های پست و زذیله‌انگیزی که بدنبالش می‌روند و مرتب سرکوب می‌شوند، متوسل شدن به حربه ترزهای فرتوت و عجزهای زمین گیر است. این توطئه چیست؟

حرفم را در چند کلمه خلاصه می‌کنم: مطلب اساسی این است که دشمنان ما، چه رژیم گذشته و چه دشمنان امروز ما در داخل و خارج کشور، ماهیت انقلاب ما و محرک و انگیزه‌های انقلاب ما را نمی‌فهمند. چون نمی‌فهمند، نمی‌توانند بطور اساسی با ما مبارزه کنند. و به همین دلیل در طول انقلاب ما به سرعت شکست خوردند. و به همین دلیل در این خرابکاریهایی که اخیراً می‌کنند به سرعت سرکوب می‌شوند و انقلاب ما با آن انگیزه عظیمی که دارد، راه خود را ادامه می‌دهد.

والسلام علیکم ورحمته و برکاته

با «سرباز انقلاب»

پیرامون

۱۷ شهریور



● در ۱۷ شهریور مردم نشان دادند که علیرغم کشتارهای چند هزار نفری نیز حاضرند به اسلام وفادار بمانند و اسلام را انتخاب کنند.

۱۷ شهریور ۵۷ یوم الهی است که در آن روز رژیم با اشاره و فرمان ارباب خود آمریکا، بسدست جلادان مزدور و کاندوهای اسرائیلی هزاران تن از مبارزین مسلمان را به خاک و خون غلطاند تا به گمان خویش با ایجاد هراس و وحشت و با ارتکاب اعمال خیانتکار مردم را از صحنه بیرون راند غافل از اینکه ملت مسلمان ایران برای احیاء اسلام و حاکمیت قانون خدا و نجات از سلطه آمریکا و هر ابرقدرت و قدرتی، تصمیم خود را گرفته و عزم خویش را جزم کرده است و جهت اجرای اوامر امام امت، جان خود را بر کف نهاده و تا به انقلاب متعالی خود نرسد از پای نماند. ۱۷ شهریور پیوسته در خاطر ما باقی خواهد ماند و زبور صفحات تاریخ خواهد بود.

متن زیر گفتگویی است با حجت الاسلام هادی غفاری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به مناسبت ۱۷ شهریور در مورد زمینه‌های پیدایش این روز هدف آن و خاطراتی از این روز مقدس و پرازش:

● با توجه به این مسئله که رژیم طاغوت سعی در مبارک گسستن جلوه دادن مبارزه مردم داشت برای خنثی کردن این تبلیغات از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کردید؟
البته این تنها رژیم نبود، بلکه دقیقاً خط امریکا بود. خود امریکا سعی می‌کرد که حرکت ضد آمریکائی را خنثی بکند و بگوید که این حرکت ضد امریکا نیست. بنابراین سعی می‌کردند تا این حرکت را وابسته به روسیه نشان دهند مشخص

می‌کند. مسئله دیگر این بود که حساسیت مردم در رابطه با خود مارکسیستها بود، وقتی در بهشت زهرا برای اولین بار آرم داس و چکش را بر سر گور یکی از شهیدان بالا بردند دیدیم که مردم ریختند و آن دوفتری که آن آرم را داشتند می‌خواستند رنده رنده دفن بکنند که عده‌ای از روحانیون مانع شدند. و اگر نبود آن چند روحانی که به داد این دو تا چپی رسیدند آنروز مردم خشمگین آنها را رنده بگور می‌فرستادند.

از سوی دیگر مسلم بود که یک عده‌ای از خواهران جامعه بودند که هنوز حجاب درستی نداشتند. یعنی مسلمان بودند اما خیلی پای بند حجاب نبودند، یا کسانی بودند که حجاب برایشان بعنوان یک مسئله اصولی مطرح نبود اما توطئه رژیم این بود که عکس تک وتوکی از چنین رنهائی را در روزنامه‌های آن روز چاپ میکرد، مثلاً فقط عکس یکی دو تا دختری که در وسط جمعیت بودند با اندازهای بزرگ می‌انداخت و می‌خواست نشان بدهد که این حرکت اصلاً ربطی به اسلام ندارد. اما جالب است بیاد آوریم که در برابر این عمل مردم چه کار می‌کردند؟ در گرمترین گرماها که عید فطر باشد که در ظهر حرارت آفتاب به ۴۰ درجه می‌رسد، مردم و بخصوص رهنمای قهرمانان دقیقاً رعایت حجاب اسلامی را داشتند. و حتی علاوه بر حفظ مقدار شرعی سعی داشتند چادر داشته باشد تا مشخصاً نشان بدهد که این یک امت مسلمان مومن است که دارد حرکت می‌کند نه یک حرکت رورهائی که انقلاب در آنها اوج می‌گرفت ایام محرم و ماه رمضان روزه‌های عاشورا، عید فطر و غیره بوده. اینها دقیقاً مشخص کننده این بود که انگیزه این حرکت اسلام بوده است. معمولاً شعارها خودشان

نیز دو قسمت می‌شوند شعارهای محوری و شعارهای شعاعی شعاری هستند که در هیچ شرایطی قابل تغییر و تحول نیستند. مثلاً «الله اکبر» است یا «ما پیرو فرانبیم» اینها شعارهای محوری است در عین حال شعارهای شعاعی هم متناسب با شرایط اجتماعی روز هر مطرح می‌شود مثلاً درود بر منتظری امید امت و امام، این یک شعار شعاعی است یعنی در برابر جریانی که می‌کوشد روحانیت را در امام تسخیر خلاصه بکند و تمام شاخه‌ها و برگ‌های امام را بزند به این امید بود که در یک روزی با رفتن امام این ساختمان درجا بخوابد، مردم چه کار می‌کنند؟ برای اینکه به دشمن بگویند که مسئله فقط امام نیست، شعار می‌دهند درود بر منتظری یک فرد نیست شعار برای منتظری هم شعار به یک فرد نیست. آقای بازارگان معروف در یک سخنرانی خود وقتی مردم گفتند درود بر منتظری امید امت و امام ایشان گفتند که نه انشالله امام آنقدر رنده می‌مانند که کار به آنجا نکشد ایشان متأسفانه اینقدر شعور سیاسی نداشتند که بفهمند اینها

شعارهای شعاعی هستند ● چه نیروهائی در مراسم نماز عید فطر شرکت داشتند و شوق و محرک اصلی این مراسم چه کسی بود؟

من نمی‌خواهم به سوال شما ایراد بگیرم اما اصولاً طرح مسأله «نیروها» غلط است قبل از انقلاب نیرو اصلاً جمع بستنی بود یک نیرو بیشتر نبود و آن نیروی اسلام بود بیرونی بود که به عنوان نجات اسلام از دست کفر عرب و الحاد شرق مطرح می‌شد بنابراین، همانطور که گفتم «یک» حرکت بود و آنهم حرکت اسلام. امام از فراسه و ملت از اینجا حرکت واحدی داشتند مردم چشم انتظار

خودنویس امام بودند خودنویس امام به هر طرف می‌چرخید، مردم آنرا می‌پذیرفتند. البته طبیعی است که مردم هم از امام کور کورانه اطاعت نمی‌کردند بر اساس آن ارزشهای اصلی که بعنوان امام دریافت شده بودند و امام را سمبل و نشانه روش امام در ایزد رمان و مصداق کامل آن مفهوم در ایزد رمان یافته بودند می‌کند البته سیاسیون هم برای اینکه بگویند «ما هم هستیم» مثلاً اطلاعیه می‌دادند به خاطر کمبود لوازم یدکی ماشین روز پانزده خرداد ۱۰ دقیقه در حیابان فلان اعتصاب می‌کنیم! من رفتم یک بار دیدم پانزده نفر هستند آنوقت حرکت‌هایی که بفرمان امام بود می‌دیدید که میلیونها نفر در تمام شهرها به حیابانها ریختند اینجا مقدار «میلون» است در آن طرف مقدار «یک نفر» است البته در آن شرایط گیاهان و اطلاعات که در دست رژیم شاه حلال بود سهم بسزائی در منحرف کردن این جریان امامت و امت داشتند اینکه یک اطلاعیه‌ای فلان سازمان داده مثلاً حبه ملی فوراً روزه‌ها در صفحه اول با تیتر درشت چاپ می‌کردند حال حبه ملی کی بود و سخاکی و بختیار و امثالهم چه کسانی بودند را نمی‌بوشند اما اینکه چه کسانی مشوق و محرک اصلی نماز عید فطر بود محرک اصلی نفس اسلام چه کسی بود. مطرح نمی‌کردند در آن شرایط، مرحوم شهید معنی نقش بسیار عظیمی داشتند و البته شهید مطهری و شهید مظلوم بهشتی و جمع روحانیون مبارز بودند و حرکت ماه رمضان چنین مجموعه‌ای بوجود آورد ● نیروهای مبارز در آن زمان چه گروه‌هایی بودند و آیا از گروه‌های فعلی که خود را از طلاهداران و سردمداران انقلاب می‌دانند خبری بود؟

در آن شرایط هر مس هر حسینیهای پایگاهی مردم در جمع می‌شدند سخن مذهبی روحانیت و در آن دوستان غیر روح صحبت می‌کردند و به می‌آمدند وقتی به می‌آمدند حرکت مردم واقع امر مسجدها و اسلامی بودند که طلا این نهضت بودند، اما این گروه‌هایی که خود را از سردمداران انقلاب میدانند اینها اصلاً نداشتند. من در متن بودم و می‌دیدم مسجد می‌آمدند، مردم می‌خواندند مردم می‌حسینیه ذکر اباء می‌گفتند. بعد سخن مذهبی مؤمنی می‌گفت: مردم این نظام ضد است، پس اعتراض پس بعد مردم می‌رفتند تظاهرات می‌کردند و ام مرتب خط جهت حرّ مشخص می‌فرمودند و از پیش می‌رفت. ● نقش نهضت آزادی د زمان چگونه بود و خوردشان با حرکتها مردم به چه صورت بو نهضت آزادی در آر یک گروه اقلیت و اند بودند که بدلیل سا روشن‌شان در جریان نه ملی شدن نفت بیانیه اعلامیه‌هایی صادر می‌اما جالب اینجاست دا خطشان خط اجرای ق اساسی رمان بود یعنی شاه سلطنت بسکنا حکومت! یعنی همینک هم هست، خط واحدی خودشان هم معترفان روز من به خوبی یادم که آقای بازارگان نام خطاب به شاه نوشتند ب عنوان شاه را دعوت به آزاد کردند درس شرایطی که مردم می‌گفتند «ما شاه نمی‌خواهیم باید اعدام بشود» اینها دعوت به بحث می‌کردند در مصاحبه اخیراً اینها داشتند با

آنجا دقیقاً اینها بیان می کنند که اینها به این شیوه معتقد نبودند و معتقد بودند که این شیوه ای که ما و مردم ما داشتیم این شیوه تنیدی بود اینها معتقد بودند که ما شاه را راضی بکنیم به اجرای قانون اساسی یکی از راههای اجرای قانون اساسی تشکیل مجلس ملی از آراء مردم اینها یک باشگاه بگیرند و در آن میتینگ بدهند کم کم به مردم بگویند که مردم به نمایندگان ما رأی بدهید و از طریق فرستادن نمایندگان به مجلس شاهی کم کم قدرت بگیرند و یواش یواش مبارزه پارلمانتاریستی و ایمن برنامه ها را ادامه بدهند. و حتی من این را بگویم آقای بازرگان و آقای کریم سنجابی به فرانسه آمدند با امام ملاقات کردند و من همانجا این جریان را فهمیدم. اینها آمدند خدمت امام که امام را قانع کنند شاید امام از مسئله شاه باید برود دست بردارد.

وقف مبارزه کرده اند زن و فرزند را وقف شهادت کرده اند و آماده برای پیروزی اسلام هستند طرح این مسئله جز خیانت چه چیزی می تواند باشد؟ این بود که امام وقتی حرفهای اینها را خوب گوش دادند در پیاریس سرشان را بلند کردند با یک نیم نگاه تنیدی که به این دو نفر داشتند گفتند که: شما چه می گوئید؟ شاه «باید» برود و بعد قلم و کاغذ خواستند امام اعلامیه را بعد از ملاقات نوشتند:

«بسم الله الرحمن الرحيم ملت شریف ایران! حال که دست به گلوی شاه بردايد آنقدر بفشاريد تا جانش در آيد.

● زمينه های پيدايش هفده شهریور را چگونه ارزیابی می کنید؟

طبیعی بود که آن آتش و آن التهاب به طرف حرکتهای تنیدی علیه رژیم میرفت این حرکتهای تند در هر

روشن بود درست در جهت مبارزه با آن طیف مختصری که می کوشید مبارزه را از شاه به کنار بکشاند من بخوبی یادم هست، روز عید فطر بود من هم از «قیطره همراه با مردم می آمدم بالاخره شعار مرگ بر شاه را آن موقع اعلام کردیم مردم هم گفتند پایین تر از میدان انقلاب من رفتم بالای چهارپایه و گفتم: مردم! مسؤل اصلی این جنایات شاه است و طرف اصلی ما شاه و آمریکا است و تا شاه هست هیچ راه انقلابی دیگری وجود ندارد، باید شاه برداشته بشود تا ببینیم حرف ما چیست و این شعار آن روز مطرح شده که «تا شاه کفن نشود این وطن وطن نشود» بعد یک آقای بدو بدو آمد با یک لباس مدل لباس آقای فروهر، آمد جلو و گفت: آقای فروهر سلام می رسانند و می فرمایند که فعلاً مرگ بر شاه نگویید من گفتم برو آقا برو گمشو! آن رفت و یک

مرگ شرافتمندانه ای است که بعنوان شهادت در راه خدا برای ما مطرح است بارها من دعا کرده ام خدا یا اگر ما را دوست داری مرگ ما بسا شهادت مان باشد. اینکه فکر عاقبت این کار را می کردیم، بله فکرش را می کردیم. از اول هم می دانستیم که گام گذاشتن در این راه چیزی نیست جز یکی از این دو نیکوئی یا پیروزی و فتح یا نیکوئی شهادت.

● آیا خاطره جالبی دارید از آن زمان؟

آن زمان روزهای عجیبی بود. زندهای ما زیر آفتاب شدید با یک بچه بغل پلاکارد بدست چادر به دندان و در ضمن مشت های خود رانیز بالا می آوردند و خاطره ای که در آن روز (روز عید فطر) بیش از هر چیز جالب بود لحظه ای بود که می خواستیم وسط خیابان نماز بخوانیم من بسالای چهارپایه رفتم خبرگزاری های مهم ایستاده



بشارت صبح بی زوال

به یاد شهدای ۱۷ شهریور

شکسته سرو باغ آشنایی
چه سنگین است بار این جدایی
همه کوچه به کوچه حجله، حجله
وطن از خون پاکان گشته دجله
پرت در خون کشیدند ای چکاوک
ترا ای نازنین منزل مبارک
مبارک بادت ای جان حجله خاک
دلاور گرد من، ای خوب، ای پاک
- تو ای فریاد در این بی صدایی
گشوده خلق بال همگرایی
برادر با برادر دوش بر دوش
غم بیگانگی کرده فراموش
همه سز داده با فرمان رهبر
شعار وحدت الله و اکبر
بشانه پرچم نصر من الله
میان لب گل الله الله
- زمین در زیر گام یکه تازان
وطن در سلطه آینده سازان
بکارند و بسازند و بتازند
براه عشق میهن جان ببازند
مسلسل با مسلسل شد برابر
بخون شوئیم خونت ای برادر
کشیده خیمه دشمن با آتش
فرو کوبیده آن عصیان سرکش
- بخواب آری شهید نازنینم
بخواب ای سرو سبز بی قرینم
که روح سبزه زار انقلابی
که سر خون سرخ آفتابی
قیام قامتت در قحط سالی
بشارت داد صبح بی زوالی
- بمیرد دشمنت ای سینه صد چاک
که کردت چلچراغ سینه خاک...

سپیده کاشانی
مردادماه ۵۹



اینها استدلالشان این بود که امام بخوبی می دانند که شاه یعنی آمریکا و شاه باید برود یعنی آمریکا باید برود امریکایی که بیش از سی و چند سال است در ایران نفوذ کرده و به ایران مسلط است امکان ندارد ما بتوانیم چنین پیروزی بدست بیاوریم بنابراین بیاییم به جای اینکه لقمه را آنقدر بزرگ برداریم که از گلویمان پائین نرود! بیاییم لقمه را کوچک کوچک بکنیم و در قدم اول بگوئیم که شاه قانون اساسی را اجرا بکند و قدم دوم و قدم سوم و... همینطور به ترتیب!

اما امام با یک نیروی خدایی معتقد بودند که هر گونه سازش با کفر، کفر است هر گونه سازش با نظام الحاد، الحاد است. نقش سازش و ایستادن ما از شان بخواهیم! چه مفهومی می تواند داشته باشد؟! آنهم در شرایطی بود که دشمن در اوج بود و ما کم بودیم خوب می گفتم که شرایط تقیه است و باید تقیه کنیم اما شرایطی که ملت ایران یک پارچه توی خیابان داد می زنند زندگی را

ریمینای قابل لمس بود و اما مشخصاً روز هفده شهریور حرکت مردمی بود که برای آزادی اسلام از چنگال چپ و راست آمریکا و غیر آمریکا برخاسته بودند در آنروز مردم دقیقاً نشان دادند که علیرغم کشتارهای چند هزاری نیز حاضرند به اسلام وفادار بمانند و اسلام را انتخاب بکنند، علیه کفر بجنگند ولو اینکه دشمن از کشته هایشان پشته بسازد. زمینه بوجود آمدن روز هفده شهریور دقیقاً حرکتی بود که در طول ماه رمضان، روحانیت در مساجد شروع کرده بودند و دوستان دیگر در این زمینه در جهت آگاهی بخش با مردم کار کرده بودند و اعلامیه های امام هم مبنی بر اینکه: «حال که راه را آغاز کرده اید دیگر نمائید» و اینکه «باید ایستاد»، اینها زمینه هایی بودند که هفده شهریور را بوجود آوردند.

● انگیزه مطرح شعار مرگ بر شاه چه بود و آیا فکر عاقبت طرح این چنین شعاری را می کردند؟

انگیزه طرح این شعار

مقدار پائین تر، آمد و گفت آقای غفاری، آقای فروهر سلام می رسانند و... من آنروز چون خیلی عصبانی شدم گفتم که آقای فروهر غلط می کنند می فرمایند! بروید و به آقای فروهر بفرمائید مرگ بر شاه!

مردم هم وقتی دیدند که با این صراحت من «مرگ بر شاه» می گویم، حاکم بر احساساتشان، اما قویاً عصبانی از رژیم و ناراحت از سالهای دراز جلدای، این شعار را محکم تر از دفعات قبل بیان کردند. اما اینکه چه عاقبتی می توانست داشته باشد روشن بود. جز شهادت چه چیزی در انتظار ما هست؟

من بدوستانمان می گفتم که ما باورمان این نیست که بتوانیم زنده بمانیم و نمی خواهیم بمانیم اینکه باید مبارزه را ادامه داد و در برابر جلاان ماند و مبارزه کرد و موفق بود و احکام اسلام را در مجلس به صورت قوانین انقلابی و مدون مطرح کرد، این مسئله درست است اما آنچه که ما به آن عاشقانه می اندیشیم، یک

بودند گفتم که مردم بدانید این نمایی که اینجا می خوانید علاوه بر اینکه یک نماز عبادی است ابعد سیاسی آن فراموش نشود. ما اینجا نماز می خوانیم تا فردا رژیم نگوید که اینها یک مشت مار کسبست بودند یک مشت تروریست بودند ما نماز را در اینجا می خوانیم تا دنیا بدانند که ما برای لاله الله می جنگیم. و بعد رو کردم به خبرنگاران کیهان و اطلاعات که آنروز دقیقاً وابسته به رژیم بودند گفتم: خجالت بکشید فردا برنارید بنویسید پانزده نفر بودند، یک گروه اندکی کنار خیابان نماز خواندند! مردم را ببینید طول صف مردم چند کیلومتر است و مردم در طی این حرکت قربانی می کردند. زنان پیر ما که توان دیدن را نداشتند می دیدیم که داخل یک سینی یک مقدار ذغال و اسفند دود کرده بودند و برای مردم قهرمان مسلمان انقلابی اسفند دود می کردند. بهر حال خاطره زیاد است و وقت کم. امیدوارم همین مقدار کافی باشد.

با آیت الله طالقانی در خطبه‌ها



- همین صف (نماز جمعه) است که دشمن‌های ما را مرعوب میکند.
- وحدتی که با رهبریهای قاطع اسلامی به حرکت درآمده دنیا را نگران کرده است، امریکا، امپریالیسم، اروپا، صهیونیسم همه به وحشت افتاده‌اند.
- یا همه ما باید بمیریم یا استعمار را در همه دنیا دفن خواهیم کرد.
- اگر بجای خود ننشستند، من پیرمرد، من مریض، من ضعیف مسلسل بدست میگیرم پشت تانک می‌نشینم، امام خمینی هم پشت تانک می‌نشیند.
- اگر انتخابات بصورت گسترده‌ای هم باشد، آنها که باید نق بزنند، نق می‌زنند.

همه به وحشت افتاده‌اند با کارهای احمقانه‌ای که در سر حداث ما براه می‌اندازند گمان میکنند میتوانند این صف را متلاشی کنند. جز رسوائی برای خودشان نمی‌ماند، جنگ ایجاد میکنند ما مگر کم سپاه داریم به جز برادران ارتشی، ما سپاه اسلام را داریم، ارتش ما سپاه اسلام است، کوچک و بزرگ و زن و مردها ما سپاه اسلام و پاسدار اسلام است.

استعمار بیاید و قشون خود را بیاورد، حالا که از پشت پرده می‌آید، آشکار بیاید یا همه ما باید بمیریم یا استعمار را در همه دنیا دفن خواهیم کرد.

اگر بجای خود ننشستند من پیرمرد، من مریض، من ضعیف، مسلسل بدست میگیرم پشت تانک می‌نشینم امام خمینی هم خواهد کرد امام خمینی هم پشت تانک می‌نشیند حتی بچه‌های کوچک ما از زن و مرد می‌جنگند. چرا اخلاص میکنند؟

● مجلس خبرگان

آیت الله طالقانی در خطبه دوم راجع به مجلس خبرگان گفت:

مسئله روز انتخاب مجلس خبرگان است، ما نمی‌خواهیم بگوئیم که این مجلس بی‌عیب و نقص است و بهر صورتی باشد مسلماً یک مجلس کامل و تامی نخواهد بود. کسی هم ادعا نمیکند اگر انتخابات بصورت گسترده‌ای هم باشد، آنها که باید نق بزنند نق می‌زنند یک عده خودشان و حزبشان منافی باقی می‌کنند، ما میدانیم که ایراد داریم ولی با ایراد گرفتن که نمیشود جلو رفت البته باید همه مردم و همه اقشار و گروهها شرکت کنند و آزادند. تعجب میکنم بعضی از گروهها میگویند آزادی نیست، پس معلوم میشود مفهوم آزادی را نفهمیده‌اند. مگر آزادی مثل مفهوم قشر و طبقه و جمعیت فقط گروه خاصی معناش را مفسد...

به فرمان امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران اولین نماز جمعه به امامت آیت الله طالقانی در دانشگاه تهران برگزار گردید. در آن روز صدها هزار نفر از مردمی که دلشان به خاطر اسلام می‌تپد، در این نماز مذهبی، سیاسی شرکت کردند. آیت الله طالقانی در قسمتی از خطبه اول خود ضمن تشریح فلسفه نماز جمعه و فواید آن گفت:

همین صف است که دشمن‌های ما را مرعوب می‌کند، همین صف است که دشمن‌های زخم خورده ما را متلاشی میکند و انگیزهای که میخواهند صفها را از هم پاره کنند اینست که مسلمانان در بهترین سرزمین با ثروت‌های مادی و معنوی باهشپاری و عالیترین فلسفه انسانی و حیثاتی را دارا هستند و آنها از همین نگرانند.

عوامل آنها هم که هر روز بهانه جوئی میکنند از همین نگرانند. اگر این صف فشرده‌تر و گسترده‌تر شد دیگر جایی برای استعمار شرق و غرب نمی‌ماند و از همین صف است که می‌ترسند.

این صف عزیز توحیدی است، صف عبادت است، صف نماز است، صف جهاد است. دشمن‌ها دسیسه کنند اگر چند روزی هم موفق شوند همانطور که ۱۴ قرن تعطیل نشد، نمیشود همین دسیسه‌های احمقانه در اطراف کشور ما چه میکند چرا برادر کشی راه می‌اندازند؟ چه میخواهند؟ برای اینکه این صف را متلاشی کنند. برای اینکه این وحدتی که از درون دلها و وجدانها سرچشمه گرفته است، وحدتی که به رهبری‌های قاطع اسلامی به حرکت درآمده دنیا را نگران کرده است، امریکا، امپریالیسم، اروپا، صهیونیسم

گاهی چند نفر از روی معسدی یا اشخاص ناآگاه یا غیرمسئول یک عملی انجام میدهند که در این روزنامهها ببینید چه جار و جنجالی بها میشود

میگویند آزادی نیست سلب آزادی سوسله قدرت، ارتش و پول است. این مردم هستند، همین خلقی که عدلای طرفدارشان هستند که رای میدهند این خلق، قشریکه حق او تصبیح شده و آزادی سلب شده، اینها چه کسانی هستند، اگر این

مگر کسی مانع شده که کسی رای بدهد یا کاندیدا معرفی کنده من همانطوریکه فرزندانم میدانند همیشه سعی کرده‌ام از میران حق و عدل درباره هر کسی منحرف نشوم و این آیه شریفه همیشه در مقابل چشم من هست که: «برای خدا گواهی بدهید، کدورت‌ها و کینه‌هایی که نسبت به کسی دارید مانع از این نشود که قضاوت به حق کنید، عدل را رعایت کنید.» ما این طرف را بررسی میکنیم که عدلای آزادی میخواهند،



● تعجب می‌کنم بعضی از گروهها میگویند آزادی نیست.
● در این حوادثی که بعد از انقلاب در کردستان شروع شد، متأسفانه انگشت بعضی از گروههای چپ و چپ نما در تمام این حوادث دیده شده.

مردمند که همه پشت سر رهبر هستند همه وظیفه دینی و اسلامی خود را از ابتدای این حرکت، این جنبش، این انقلاب به درستی انجام داده‌اند البته نابسامانیهای اقتصادی هست اعتراضاتی هست من بارها خودم گفتم، اغلب در کار دولت بعضی از گروهها، در بعضی از کمیته‌ها، ولی این مسئله غیر از ایست که دائم بگویند تکیه کند که خلق حقش تادیه نمیشود (خطاب به صدها هزار جمعیت) این قشر حق است، این قشر خلق است روز ۳ شمه هفته گذشته هم این قشر خلق بودند پس از این قشر خلقی که حق او تصبیح شده است ما میدانیم چه کسانی هستند.

اینها لابد اجمعا هستند. البته مسائلی هم هست و آن اینست که این خصایص و موازین که برای رهبری و یا به اصطلاح روحانیت شیعه و اسلام بطور وضوح در این لباس قرار داده، روی سنتها و مقیاسها، که من کلمه روحانی یا آخوند را کلمه اصیل میدانم، بلکه (فقها) را درست‌تر میدانم یک خصایصی دارند همان بدهاشان هم مجبورند اینها را حفظ کنند، چون دارای این خصایص هستند.

همه مردم از آخوند ده تا مرجع تقلید در همین میگذرانند تا کار اینها را بررسی کنند پول دارد یا نه؟ کلاه سر کسی گذاشته یا نه، پس اینها بطور خودبخود در یک کشور اسلامی برگزیده نشده‌اند، ولی افراد دیگری سوادشان مشخص نیست و هر روز به شکلی و رنگی درمیآیند، اینها شناخته نشده‌اند

● دومین نماز جمعه

روز ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ دومین نماز جمعه بعد از انقلاب اسلامی ایران به امامت آیت الله طالقانی و با حضور صدها هزار نفر از مردم تهران برگزار شد. امام جمعه تهران در خطبه اول خود بتفصیل درباره اهمیت تقوی، رشد و حرکت انسانی، حاکمیت ایمان و توجه به حق و خودداری از انحرافهای فکری و اخلاقی سخن گفت و تأکید کرد که با تقوی است که می‌توانید هشدار باشید و به ریسمان ایمان می‌تسمک شوید.

این ریسمانی است که شما را از سقوط از ضرر نگاه می‌دارد.

آیست... طالقانی در خطبه دوم خود گفت: همه عالم از نظر شناخت وحی و قرآن مسح هستند و همه تسبیح می‌گویند همه در حرکت تسبیحی هستند. همه در طریق کمال هستند و همه کوشا هستند تا خود را از پلیدیهای نفس برهانند.

آیت الله طالقانی در ادامه سخنان خود با تشریح وظایف و مسئولیتهای اجتماعی و تأکید به اینکه قانون اساسی ما قانون خدا است یعنی قانونی که از دماغهای بشر، احزاب و طبقه خاص افراد معین نیست که به مصلحت گروهی طبقه یا فردی باشد و به مصلحت همه و برای رشد همه مخلوقات و همه انسانها است همچنانکه خطابه‌های قرآن هم اکثراً متوجه همه مردم است گفتند: امیدواریم این حرکتی که امروز انجام شد عده‌ای از مردان صالح، مردان خیرخواه با سعه صدر با بهنش وسیع یا آشنائی با



ابوذر زمان



بسم الله الرحمن الرحيم
ابوذر، اهل جهاد بود و فریاد گری و پارسائی.
او، در رکاب پیامبر (ص) علیه کمر، ستیز کرد.
هرکنار علی (ع) علیه نفاق فریاد کرد تا به ربنده تبعید شد.
و در ربنده مانند هر جای دیگر که بود پارسائی پیشه کرد.
و سرانجام در حالیکه وجود او لبریز از عشق به اسلام بود به دیدار خدای خود شتافت.

خویش منافقان، این را که دیدند تصمیم گرفتند طالقانی را به «رنده» خشم خویش تبعید کنند ولی پیش از آنکه به چنین کاری موفق شوند، خدای طالقانی او را به دیدار خود خواند.

منافقان، حتی از جسم بی جان طالقانی هم چشم نهوشیدند، آنها پهای جنازه او در حالیکه مردم را می دیدند که شعار «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، خمینی بت شکن صاحب عزاست امروز» را سر می دادند، فریاد برداشتند که: «پیام طالقانی شهادتست و شورا». آنها می خواستند با بهره برداری از محبوبیت طالقانی در میان توده مردم لباسی به نام شورا برای خود تدارک ببینند و آنرا بر تن سر تا پا نفاق خود بپوشانند و به کارزار علیه اسلام بیایند. ولی مردم هوشیارتر از آنها بودند. مردم به آنها پاسخ دادند که: «پیام طالقانی، اطاعت از امام است». آخر مردم می خواستند به منافقان بگویند که محبوبیت طالقانی نزد ما به خاطر عشق به اسلام و اطاعت او از هیراست نه چیز دیگر.

و بدین ترتیب، طالقانی ابوذر زمان شد که زندگی او سرتاسر فریادی بود علیه میراث خواران اسلام و منافقان. و چنین است که مردان خدا، حتی پس از مرگ نیز سندی برای رسوائی دشمنان خدا هستند. با گذشت زمان، هر چه مردم از نقطه فراق با طالقانی دورتر شدند، بیشتر با جریان نفاق که تلاش میکرد آبروی طالقانی را حسابی بر چهره خود کند وزشتی های خود را به کمک آن بپوشاند.

اکنون، مردم عیناً می بینند کسانی که لقب «پدر» به طالقانی داده بودند و خود را فرزندان او می خواندند چگونه در «اسفل السافلین» جای دارند و طالقانی که همواره از چنین فرزند خوانده های تحمیلی بیزار بود چگونه در «اعلی علیین» سیر می کند. سلام بر او که امامش لقب «ابوذر» داد.

طالقانی، که از خاندان علم و فضیلت و تقوا جوشیده بود، جهاد علیه سلسله منحوس پهلوی را که سلسله ای بود بردست و پهای انسانیت و آزادی از جوانی آغاز کرد و از خارها و خس هائی که بر سر این راه وجود داشت نهراسید و شکست های ظاهری نتوانستند او را مأیوس کنند. او، همچنان به جهاد مقدس خود ادامه داد تا روزی که به سرچشمه جهاد، روح خدا پیر خمین دست یافت و گمشده خود را در وجود پر صلابت و پیامبر گونه او پیدا کرد و او را به رهبری برگزید و در خط او به جهاد خود ادامه داد.

طالقانی، سخت مورد طمع خوارج زمان خود بود. آنها تلاش بسیار کردند تا از وجود او و از سوابق مبارزاتی و اعتبار و حیثیت او برای به کرسی نشاندن خط نفاق بهره برداری کنند و انقلاب اسلامی را به انحراف بکشانند. یک روز، اعلام کردند که نیروهای نظ...

داشتند.

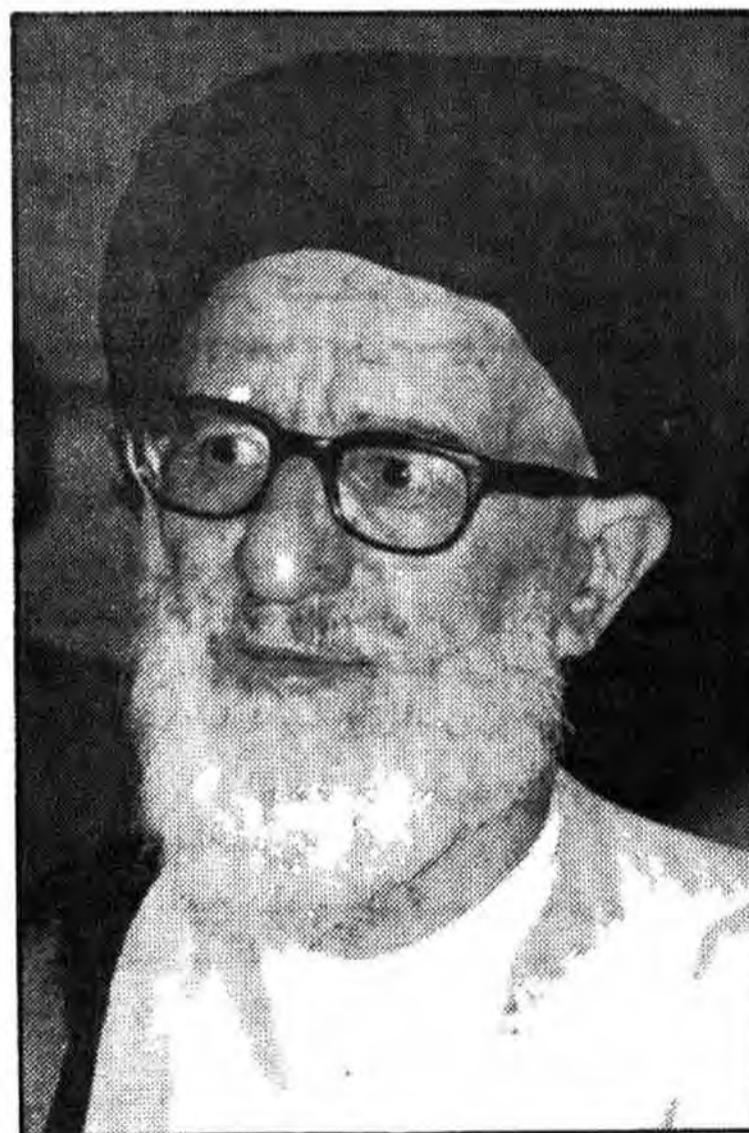
مبارزات مسلمانان کرد

آیت الله طالقانی در ادامه سخنان خود افزود آخرین سخن پیام من به برادران کردمان است: برادران کرد و خواهران کرد. ما میدانیم در طول تاریخ بلکه قرنهای شما از حقوقتان محروم ماندهاید شما تحت فشار ماندید شما از زمان عثمانیها تحت فشار واقع شدهاید. و از حقوقتان محروم ماندهاید و این وضع ادامه یافت. در زندانی که ما رفتیم شما برادران کرد و مبارز بودید. سابقه مبارزه دارید کسانی که با ما تماس دارند پیشوایان دینی مردمان خیر و باتقوی و پرهیزکار و شخصیت های سیاسی آنها هم همینطور ما نمیدانیم چرا باید این حوادث در کردستان تکرار شود و این حیثیت و این شخصیت و این سابقه مبارزه سرزمین شجاعان ما را منکوب کند و روزنامه های خارج بنویسند کردها چنین کردند کردها چنان کردند. شما خواهرها و برادرهای کرد آلت دست یک مشت فرصت طلب یک مشت دزدهای فراری یک مشت مردم خودخواه میشوید پس است دیگر راضی نشوید که روی شما کردها معامله بکنند. بخود آئید حقوق شما مانند حقوق دیگر برادران ایرانی است اگر محرومیت هست برای همه جا هست. آیا محرومیت ده بیشتر از جنوب تهران است که مرکز ایران است. مرکز قدرت است اینها مسائلی است که باید بتدریج انجام بگیرد اصلاح بشود. مراقب باشید آلت دست نشوید حیثیت و شرافت و سوابق خودتان را نگهدارید؟

حوادثی که در اطراف ما میگردد آشنائی به اراده خدائی و مشیت الهی و اصولاً سلام بتوانند قانونی تنظیم کنند که همه مردم را بسوی سعادت و تزکیه پیش برد. آیت الله طالقانی... قسمتی دیگر از خطبه دوم خود گفت: در این حوادثی که بعد از انقلاب در کردستان نروغ شد، تشرکمنستان بنوب، متأسفانه انگشت حسی از گروه های چپ و بهنما در تمام این حوادث یده شده. من سعی کردم نراد بی طرف و بی نظری که طلاعات را جمع آوری بگردند افشا نکنم، برای بفظ وحدت، تا شاید توبه تند تا شاید به خود بیایند باید متوجه شوند ولی تأسفانه می بینیم که هنوز ن دستها در کار هستند و لربیش از این به اعمال سودشان ادامه بدهند سانیکه اطلاع دارند برای مه ملت ایران افشاگری واهند کرد.

هیچ عقده ها

توجه کنید ببینید برنامه میشه به صورت خاص بوده ست هائی به کار می آید و روح می کند به اسم شیعه و نی کرد و ترک فارس و ب این عقده ها را تهییج بدن و بعد کم کم اینها اهل هم قرار می گیرند. از یا از انقلاب غافل می مانند در این میان ناشناسی ولغای شلیک می کند یکنفر خاکوخون می افتد و بعد هم میریزند همین عوامل مین کسانیکه در خوارج بریک می کنند از داخل با همکاری می کنند این نامها در سندیج مرئیون به ک صورت بکار رفته یک برنامه معین و یک پای از چنماها دستشان کار است و دیگران هم کار

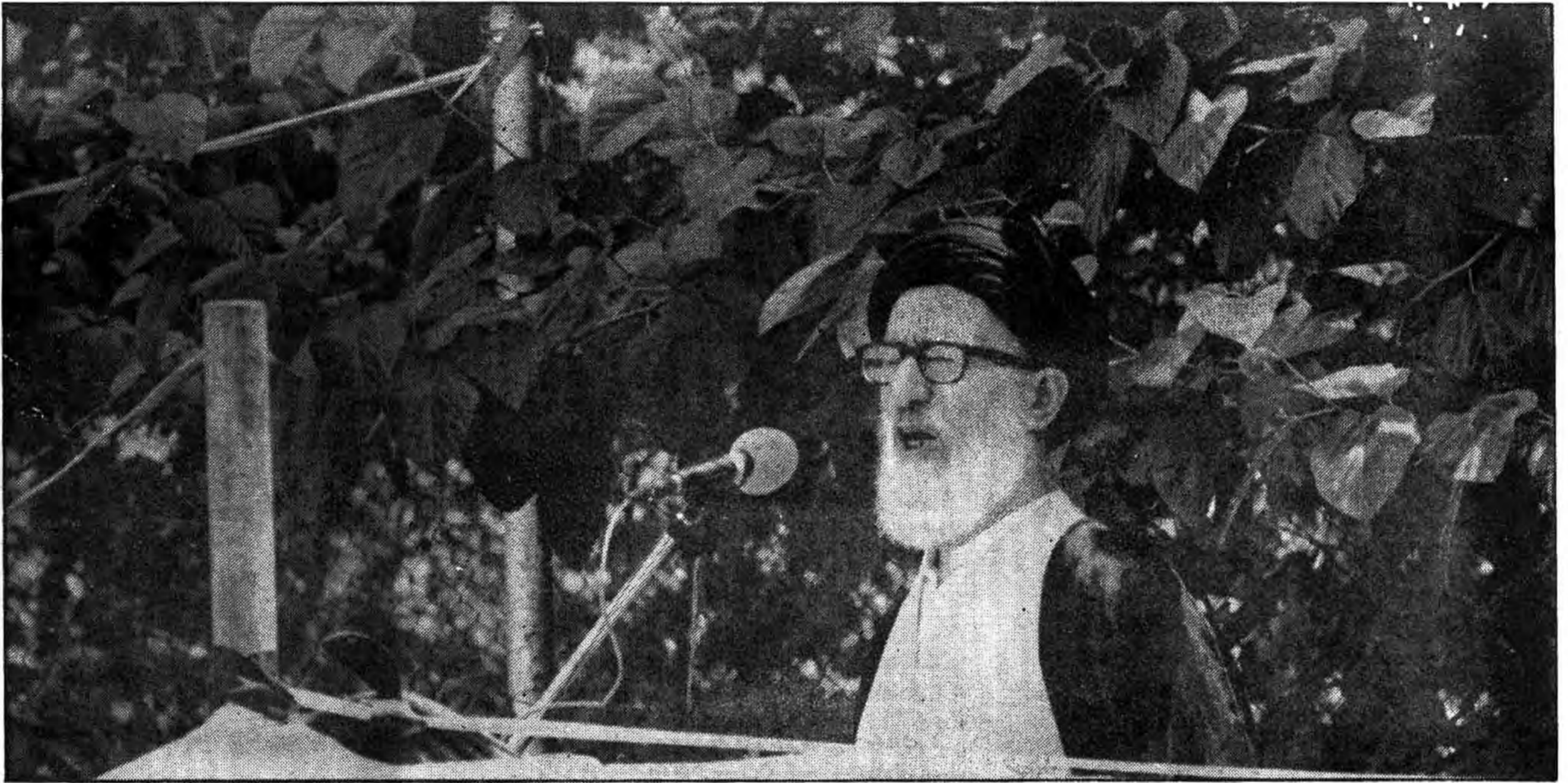


را یکجا در اختیار او خواهند گذاشت. ولی نگفتند برای چه کاری. البته معلوم بود که آنها مایل بودند جنگ خود علیه اسلام را زودتر از ۳۰ خرداد ۶۰ آغاز کنند و بسیار میل داشتند از اعتبار طالقانی برای چنین کاری استفاده کنند. ولی طالقانی هشیارتر از آن بود که فریب خوارج زمان خود را بخورد. او، در مدرسه فیضیه به سخن ایستاد و یکسره پرده از چهره نفاق آلود خوارج زمان خود برداشت و اطاعت بی قید و شرط خود را از رهبر اعلام کرد و فریادی شد علیه نفاق عصر

زندگینامه مرحوم آیت الله طالقانی

نسل جوان انقلاب شد. آیت الله طالقانی از سال ۱۳۳۲ در مسجد هدایت تهران به ارشاد جوانان پرداخت و جو مبارزاتی در جوانان بوجود آورد و این مسجد را سنگر مبارزات ایستادگویی و سیاسی در آورد. بعد از گذشت چندین سال سختی و زندانی و شکنجه پیرسال خورده در سال ۱۳۵۷ پس از چهارده سال آخرین دوره زندانش را پشت سر گذاشت. روزی که آزادی آیت الله طالقانی از زندان قصر اعلام شد هزاران نفر از مردم تهران جلوی زندان قصر اجتماع کردند. ساعت ده شب که مجاهد نستوه باشکوه عظیمی خاص در حالی که عیای مشکلی بدوش داشت و آثار کسالت ناشی از زندان در چهره اش بوضوح دیده می شد از زندان بیرون آمد. استقبال کنندگان در حالیکه سراپا هیجان رده بودند و می گریستند او را در میان گرفتند. **مجاهد نستوه** انقلاب اسلامی در ۱۹ شهریور دیده از جهان فرو بست و به ملکوت اعلی پیوست. روحش شاد

آیت الله حاج سید محمود طالقانی در سال ۱۲۸۳ هجری در خانواده ای روحانی در «گلپرد» یکی از توابع طالقان دیده به جهان گشود، وی از همان اوان کودکی ابراز علاقه خود را به همه نشان داد تا سن ده سالگی در روستای خود ماند، سپس به تهران آمد و در مدرسه علوم دینی به تحصیل پرداخت از همان ابتدای تحصیلات قدم در راه پررنج و مشقت مبارزات خویش گذاشت. احساس دوستی خارج الوصفی به زادگاهش داشت و به مردم «گلپرد». پدرش نیز که روحانی مبارزی بود از راه ساعت سازی معاش خانواده اش را تأمین می کرد او بارها و بارها تبعید شد و روش حسین گونه زیستن را به فرزندش آموخت. آیت الله طالقانی در پی مبارزات چشمگیر جهانش، از سرزمین فلسطین سوخته تا فیلیپین به یغما رفته به استواری گامهای وی ایمن داشتند. وی پس از گونه ای مبارزه توسط رژیم رضاخان زندانی و تبعید شد و در بیستم شهریور به تهران بازگشت و بصورت تکیه گاهی برای



گزیده‌ای از دیدگاه‌های آیت الله طالقانی

در زمینه توحید...

• توحید اسلامی انقلاب و تحولی است که از فطرت و خمیر انسانی آغاز میگردد و نقطه مرکزی فطرت را بصورت نیروی فعالی درمیآورد چنانکه همه استعدادهای عقلی و نفسانی را برمی‌انگیزد «از کتاب توحید از نظر اسلام»

در زمینه بازگشت به خویش

• اگر مسلمانان خودشان تجدید حیات نمایند و ندای توحید بمعنای کامل در دهند میتوانند دنیا را از خطرهای شرک و تبعات شوم ماده پرستی نجات دهند و نظامات و آژگون بشری را بسوی حق و عدل مستقیم دارند.

(از کتاب توحید از نظر اسلام)

در زمینه ملیت گرایی

• رسول خدا (ص) می‌توانست بنام قومیت و ملیت عرب را برانگیزد و حکومتی تاسیس نماید و ازین راه آنها را به صلاح و خیر و ادارد ولی با تائید وحی میدید که اصلاح فردی و اجتماعی می‌باید از حقیقت انسانیت و مبداء عقیده فکر آغاز گردد.

(از کتاب توحید از نظر اسلام)

خطاب به مشرکین مترقی

• توحید یعنی آزادی بشر و غیر توحید یعنی شرک و کفر، البته شرک منحط و شرک مترقی که عده‌ای از تحصیل کرده‌های ما و روشنفکران امروزی مادچار شرک مترقی‌اند و همین موضوع منشأ درگیریها و اختلافات در جامعه ما می‌باشند، این گروه حاضر نیستند از دید محدود شرکت آمیز خود به مردم انسانها، استعدادها، انگیزه‌های این حرکت و این فداکاری‌ها و این قربانی دادنها درست بنگرند.

(سخنرانی شب اربعین ۹۹ در مسجد هدایت)

خطاب به گروه‌های چپ...

• برادران ما، فرزندان ما که گرایش مکتب چپی دارند چشمشان را باز کنند این ملت آزادی می‌خواهد، مکتب چپ تکیه‌اش به اقتصاد است (سخنرانی شب اربعین ۹۹ در مسجد هدایت)

راجع به فعالیت گروه‌های چپ

• این دهاتی، این زارع، این کارگر برو شب

روزی برایش بخوان اصالت ماده، تضادتیز، سنتی تیز، آنتی تیز، این حرفها را بگو، اگر به یک امامزاده دروغش توهین کنی تراز خانه بیرون می‌کند چه برسد به اصل دینش، حالا باین مردم شما می‌خواهید مکتبتان را پیاده کنید؟

(سخنرانی شب اربعین ۹۹)

راجع به امام...

• چرا امام خمینی مورد تائید مردم است؟ برای اینکه ایشان انگشت روی دردها گذاشتند، برای اینکه حرف اول و آخرشان یکی است، این مردم هستند که می‌بایست حاکم باشند و لا غیر.

(جمعه ۵۸/۱/۳۱ مدرسه فیضیه قم)

راجع به کمونیسم

• کمونیسم مولود استبداد سیاسی و اجتماعی و دینی است در هر کشوری که استبداد و محرومیت بود و چهره دین مسخ شد کمونیسم تشکیل میشود.

(جمعه ۵۸/۱/۳۱ مدرسه فیضیه قم)

در زمینه انقلاب...

• مردم می‌آیند بما می‌گویند برای ما پیروزی انقلاب مطرح است نه پول در آوردن و خوب زندگی کردن، این روحیه انقلابی برای ملت ما ارزش دارد و باید دنیا روی این روحیه حساب کند.

(مصاحبه مطبوعاتی ۵۸/۳/۲)

خطاب به منافقین...

• در تمام تاریخ مادیده‌ایم کسی که نردبان ترقی ظلم شد بدست همان ظالم ضربه خورد.

(شب ۲۳ رمضان ۱۳۹۹ قمری کاخ سعد آباد)

در زمینه آزادی...

• احزاب چپ و چپ‌نما اول وعده شکم میدهند و بعد دم از حقوق طبقه کارگر می‌زنند، اشتباه می‌کنند انسان آزادی می‌خواهد.

(شب ۲۳ رمضان ۱۳۹۹ قمری سعدآباد)

در زمینه التقاطی فکر کردن

• گاهی روشنفکران ما اسلام را مخلوط می‌کنند با یک مسائل دیگر و مکتب‌های دیگر، یک مقداری از کمونیست یا سرمایه‌داری، یا از این طرف یا از آن طرف و از سوسیالیست و حال آنکه به برادران و خواهران و فرزندان باید گفت اسلام نه کمونیست است نه کاپیتالیسم است نه

سوسیالیسم است اسلام اسلام است. خودش اسلام است با همه ابعادش

(شب ۲۳ رمضان ۹۹ قمری)

در زمینه التقاطی فکر کردن...

• برخی اشتباه می‌کنند آنهایی که اسلام را با مکتب‌ها و مسائل دیگر مخلوط می‌کنند و بهم می‌چسبانند و خیال می‌کنند اسلام است.

(شب ۲۳ رمضان ۹۹ قمری)

پیرامون مسجد در صدر اسلام

• مسلمانها گفتند: ما از مسجد می‌خواهیم دنیا را نجات بدهیم و از عبادت بندها به عبادت خدا و از ذلت ادیان به عزت اسلام برسیم.

(شب ۲۳ رمضان ۹۹ سعدآباد)

پیرامون انتخابات مجلس...

• اگر یک عده‌ای را انتخاب کردید برای مجلس شورا خیال نکنید مسئولیت از شما رفع شده است فرد فرد شما مسئولید باید با تمام شعور و چشم و گوش‌تان مراقب اعمال آنها باشید.

(شب ۲۳ رمضان ۹۹)

پیرامون دانشگاه و پاکسازی...

• اول دانشگاهی و دانشگاه باید تصفیه شود و از هر چه از مسائل توارثی که بذرای علم را در توده می‌خشکاند باید پاک شود.

(سخنرانی در جمع استادان متحصن دانشگاه تهران زمستان ۵۷)

پیرامون دانشگاه

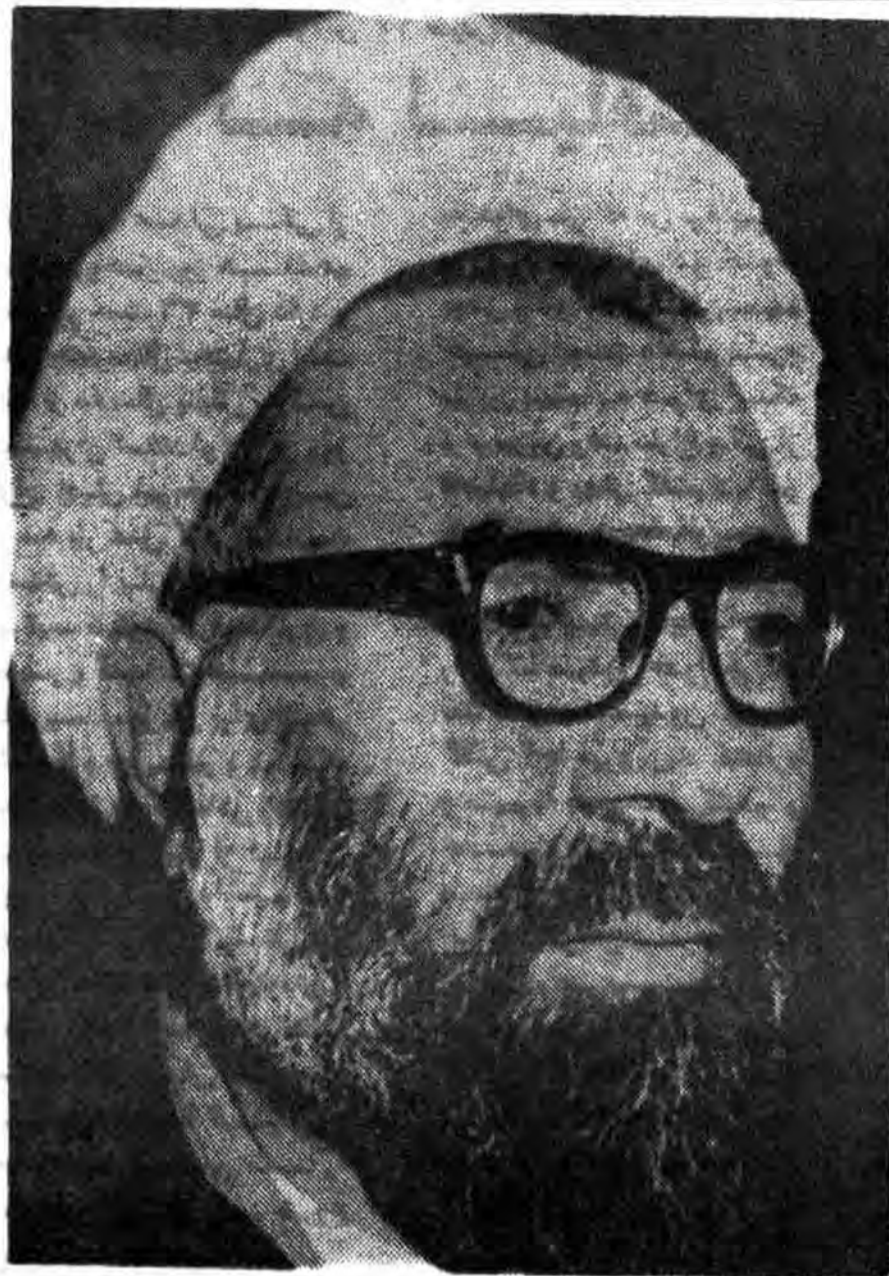
• دانشگاه بجای آنکه خانه علم باشد خانه دربار شده است دزدهای بین‌المللی نه تنها ثروت‌های ما را بردند بلکه علمهای ما را هم از بین جوانان ربودند.

(سخنرانی در جمع استادان متحصن دانشگاه تهران زمستان ۵۷)

در زمینه قرآن.....

• امروز وظیفه ما مسلمانهاست که به سرچشمه برگردیم. سرچشمه‌ای که منشاء وحدت همه مسلمین است، سرچشمه‌ای که آبش گواراست، دست نخورده است، قرآنی که سرچشمه وحی و نبوت و هدایت بشر هست و بود.....

(قرآن در صحنه برنامه هشتم)



● اساسی ترین مسئله‌ایکه نظام مسحط پهلوی و تمام سازمانهای جاسوسی و استعماری نتوانستند حساب کنند. آمادگی و عمق آگاهی مردم و پیوندشان با اسلام بود.

● دشمن در جنگ تحمیلی عراق به این امید است که باطول کشیدن جنگ، مردم حسسته بشوند و از نبرد باامپریالیسم امریکا و حمایت از اسلام دست بکشند.

● امام پس از کشتار ۱۷ شهریور اعلامیه دادند که شاه آخرین روزهای خود را می‌گذرانند.

● رژیم مسحط پهلوی چنین حساب کرده بود که باجاری کردن نه‌های خون خواهد توانست جلوی اراده و آگاهی مردم بایستد.

راجع به امام خمینی
● هروقت که من خسته می‌شوم و یادارم ناامید می‌شوم می‌روم پیش امام و در آنجا نیرو می‌گیرم و از قاطعیت و توکل امام بهرمند می‌شوم.

در زمینه قانون اساسی
● باید قانون اساسی نوشته شود، تدوین بشود ولی باید هوشیار باشیم این قانون اساسی، مسئله‌ای است و اصولی است. مجری‌اش کیست؟ شما مردم، شما مردم کی می‌توانید یک قدرت اجرایی قومی باشید که این اصول آزادیبخش را بتوانید پیاده بکنید؟ وقتی انقلابی باشید. (خطبه عیدفطر ۱۳۹۹)

امروز که طاغوت‌ها و طاغوتیان و طاغوت این کشور سرنگون شده است و رهبری، رهبری الهی است، امامت است، عدل است، قسط است، باید ما و همه برادران ما در شهرها و قصبات و اطراف کشور، همانطوریکه امام خمینی خواستند این صف را تشکیل بدهند. (نماز جمعه ۵ مرداد)

● در رابطه با ملل مستضعف جهان
سرنوشت ما بهم پیوسته است و ما نمی‌توانیم از آنها جدا باشیم، آنها هم نمی‌توانند از ما جدا باشند. ما باید به یاری آنها برخیزیم، آنها هم باید به یاری ما و به کمک ما برخیزند، سرنوشت ما با مردم فلسطین جدا نیست، سرنوشت ما با مردم اریتره جدا نیست، با مردم فیلیپین جدا نیست. با دیگر مسلمانهای مستضعف و تحت فشار عوامل استبداد داخلی و استعمار قهار خارجی، هیچ جدا نیست... (نماز جمعه ۵ مرداد)

به ضد انقلاب
کسی که روبروی انقلاب بایستد باید هلاک بشود، باید نابود بشود انقلاب، انقلاب محرومین است، انقلاب انقلاب توده مسلمان است. انقلاب انقلاب پیروان قرآن است، انقلاب انقلاب توحید است هر کس که از این مسیر منحرف شود باید پایمال بشود. (خطبه عید فطر ۵۸)

خطاب به منافقین
آن خطرهایی که این اجتماع را متلاشی می‌کند، آن خطری که از درون نفوذ می‌کند آن خطری که از اول اسلام بود و هر چه ما مسلمانها بعد از طلوع اسلام ضربه خوردیم بدست منافقین بوده است نه کفار (خطبه نماز جمعه ۵۸/۶/۹)

در زمینه چهره منافق...
منافق یعنی انسان چند چهره، یعنی کسی که با چهره دین نفوذ می‌کند و در صف مسلمانها ولی این یک چهره است، چهره ظاهر باطنش چهره کفر است چهره وابستگی با بیگانگان است، چهره ضد اسلام است (خطبه نماز جمعه ۵۸/۶/۹)

در زمینه منافقین...
امروز برادرها، خواهرها، فرزندان اسلام، ما دچار چنین منافقین شورو و حیل و فریب کاری هستیم که گاه به چهره اسلام در می‌آیند. به چهره ایرانی بسیار هم اظهار دلسوزی می‌کنند برای مردم ولی وابسته به جاهای دیگر هستند (خطبه نماز جمعه ۵۸/۶/۹)

در زمینه هفده شهریور
هفده شهریور نشان داد که این ملت از جا بلند شده با همه عوامل سقوط ما با همه بندها، با همه قیدهای اخلاقی و فرهنگی و اقتصادی تحمیل شده، بندها را باز کرد و در مقابل گلوله‌ها و در مقابل تانکها با مشت گره کرده و فریاد اله اکبر دنیا را تکان داد به آنها فهماندند که ما زنده‌ایم، ما به خودمان متکی هستیم و دنبال رهبری قاطع خودمان هستیم. (نماز جمعه در بهشت زهرا)

حجة الاسلام باغانی از ۱۷ شهریور می‌گوید

شده بود و طالب شهادت بودند و دنبال رهنمودهای امام بودند، صحنه را ترک نکردند تا بعد از هفده شهریور که کم‌کم جلو آمدند و امام در دوازده بهمن از پاریس برگشت پیروزمندانه و زمینه آماده شد برای قیام همگانی، روز ۲۲ بهمن که آنجا هم رژیم آنروز باخیال خام خودش روز ۲۱ بهمن اعلام حکومت نظامی را از بعد از ظهر کرد، با امید اینکه مردم به خانه‌های خود بپردازند و رژیم خونخوار به مقاصد شوم خود که می‌خواست سران انقلاب را بگیرد برسد ولی با فرمان امام که امام در بین مردم بود به خیابان‌ها ریختند، در طی سه ساعت نبرد آنچه که امام می‌فرمود که مرحوم قرنی نقل کرده برای من سه ساعت نبرد با رژیم رژیم را ساقط کردند و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و این پیروزی ثمره باقی ماندن مردم در صحنه و مقاومت آنها و نترسیدن از مرگ بود. دشمن حالا که جنگ تحمیلی را بر ما تحمیل کرده است با امید اینکه باطول کشیدن جنگ ضایعاتی که جنگ دارد مردم ما خسته بشوند و از نبرد با امپریالیسم امریکا و حمایت از انقلاب را رها کنند و انقلاب را به آنجا که دشمن می‌خواهد بکشاند، ولی استقامت و مقاومت بی‌نظیر مردم ما چه در خط مقدم جبهه و چه در پشت جبهه ثابت کردند که برامپریالیسم آمریکا پیروز خواهد شد و با مشت پولادین بر دهن دشمن داخلی و خارجی که این روزها در گیری با آنها داریم خواهد زد و انشالله انقلاب به پیروزی کامل خواهد رسید.

شاهت که سابقه‌ای جمع شدند، و حکومت نظامی رژیم را نادیده گرفتند. در میدان هفده شهریور زاله که حالا اسم آن میدان شهدا است تجمع کردند. رژیم با قساوت و دردی بی‌سابقه‌ای به مردم بی‌گناه حمله کرد، خیال رژیم همان بود. همچنانکه در ۱۵ خرداد ۴۳ با کشتار بی‌رحمانه مردم را سرکوب کرد و جلوی انقلاب را گرفت، می‌خواست میدان شهدا و هفده شهریور هم با رگبار بسن تمام مرد و زن بی‌گناهی که آنجا بودند، ره‌ر چشمی از مردم بگیرد و جلوی انقلاب را سد کنند ولیکن دیدیم که نتیجه برعکس شد و کشتار فجیع رژیم در هفده شهریور از مردان بی‌گناه و زنان مسلمان که در تظاهرات شرکت کرده بودند، نفرت و خشم سراسر مردم ایران و حتی عده‌ای از کشورهای آزادیخواه جهان بر علیه رژیم را برانگیخت و آن کشتار وحشیانه و خشم مردم باعث شد که سقوط رژیم را تسریع کند و لذا انقلاب بعد از آن کشتار ثمره آن خون‌های ناحق ریخته شده این شد که مردم همه جانبه حرکت کردند. دیگر حکومت نظامی رژیم رنگ خود را باخت و برای مردم حکومت نظامی و غیر حکومت نظامی فرق نمی‌کرد و در تظاهرات و راهپیمایی مردم به پیش می‌آمدند، تازمه فراهم شد و برای بازگشت امام از پاریس. امام همان وقت می‌پادم هست اعلامیه داد و کشتار هفده شهریور را محکوم کرد. در اعلامیه فرمود، شاه آخرین روزهای خود را می‌گذرانند و مردم هم که مسئله مرگ برایشان حل

سر آن کشتار، کشتارهایی در پرد ساز سمناسبت چینه در خود فم که تعداد بیشتری کشته در فم در دومین کشتار فم، کشته داد، اما دیگر مردم از کشته شدن نمی‌ترسیدند و مردم در سرتاسر ایران به حرکت در آمده بودند و سر دقیقاً پادم هست که پس از کشتار دوم فم، روزنامه‌های آنروز نوشتند که مردم در ۲۶ شهر تظاهرات و کشته دادند. مردم در هر شهری کشته میدادند از کشته شدن نمی‌ترسیدند، جلوی مسلسل‌های رژیم حوحوار ایستادند و انقلاب را به پیش می‌بردند تا اینکه انقلاب در سال ۵۷ داشت آن اوج ترقی خودش را می‌پیمود و درس پادم است که جریان هفده شهریور بعد از نماز عیدفطر بود که در قیطره بها شد و به امامت شهید مفتوح و راهپیمایی عظیمی که در آن راهپیمایی آیت‌الله شهید مظلوم بهشتی و آیت‌الله شهید مطهری و شهید مفتوح و دیگران بودند و مردم با آن انزجار خودشان را از رژیم نشان میدادند. رژیم به هراس افتاد و باز خیال کرد که باید به کشتار متوسل شود، ولی مردم از کشته شدن دیگر نمی‌ترسیدند در آنروز اعلامیه‌ای داده شد برای راهپیمایی در روز هفده شهریور. رژیم صبح همان روز و یا در نصف شب همان شب نشستند و طرح حکومت نظامی را ریختند و صبح هفده شهریور اعلام حکومت نظامی کردند، به خیال اینکه مردم می‌ترسند و به خیابان‌ها نمی‌آیند و رژیم می‌تواند بر اوضاع مسلط شود و مردم را آرام بکند، ولی مردم

پیرامون ۱۷ شهریور خونین با حقیقتاً اسلام علی اصغر باغانی نماینده مردم سبزوار و یکی از شهدای زنده فاجعه هفتم تیر به گفتگویی شش‌ساعته و ایشان اظهار میدارد:
بسم الله الرحمن الرحیم
کشتار فجیع رژیم حوحوار پهلوی در هفده شهریور و استقامت و پایداری مردم در حقیقت دساله کشتار رژیم در ۱۵ خرداد ۴۳ بود. ۱۵ خرداد ۴۳ که آغاز قیام بود، رژیم پس از حمله به مدرسه فیضیه در آغاز سال ۴۳ یعنی ۲ فروردین با اوج گرفتن مبارزات در کشتار ۱۵ خرداد و کشتار مردم بی‌گناه در تهران، ورامین و جاهای دیگر، رژیم به حسب ظاهر موفق شد مردم را آرام کند جلوی انقلاب را بگیرد، امام مردم آرام شدند. با رهنمودهای امام، انقلاب به پیش می‌رفت، تانورده دی ۵۶ بعد از آن مقاله کذابیه علیه امام، حوره علمیه قم یکجا حرکت کرد و رژیم با حمله به حوره علمیه به خیال خودش خواست نظیر کشتار ۱۵ خرداد که جلوی مردم را سد کرد، بر حسب ظاهر جلوی مردم را در ۱۹ دی هم سد کند امام مردم دیگر آماده به نمر رساندن انقلاب شده بودند، مسئله مرگ برای مردم حل شده بود. مردم دریافته بودند که شهادت در راه خدا سعادت است برای ایشان ولدا انقلاب بعد از ۱۹ دی در قم به پیش رفت. پشت سر آن در چهارم رور ۱۹ دی کشتار تبریر بود بر حسب ظاهر تعداد بیشتری در آنجا کشته شدند، بار هم جلوی انقلاب سد شد، پشت

